

تدابیر حمایتی غیر کیفری از بزه دیدگان جرائم اقتصادی در سیاست جنایی

ایران

فرشاد جمشیدی زنگنه

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله آملی

چکیده

در قرن حاضر، جرائم اقتصادی با توجه به ویژگی‌های متمایز و خاص خود، از مهم‌ترین جرائم کیفری در سیاست جنایی هر کشور به حساب می‌آیند. جرائم اقتصادی و آثار گسترده خرد و کالان آن بر شئون مختلف جامعه و نیز گستردگی بزه دیدگان آن، موضوع قابل توجه و اساسی در حقوق کیفری امروز است. گستره وسیع بزه دیدگی این جرائم و بزه دیدگان مختلف آن، از اقشار و اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه، توجه کاملاً جرم شناختی و بزه دیده شناختی اولیه و ثانویه به این جرائم را ضروری می‌سازد. بزه دیدگی دولت‌ها و شرکت‌ها و اشخاص حقوقی و حقیقی، که ارکان اقتصاد هر کشور تلقی می‌شوند و بزه دیدگی آن‌ها به جرم‌زایی و بیماری اقتصاد جامعه می‌انجامد، ضرورت بررسی بزه دیده شناختی این جرائم را روشن‌تر می‌سازد. از سوی دیگر آمار بالای بزه دیدگان جرائم اقتصادی و فراوانی آن‌ها اهمیت نگاه عمیق سیاست جنایی به این جرائم را بیشتر می‌نمایاند. در کنترل جرائم اقتصادی ارکان مختلف دولتی با هم در ارتباط می‌باشند تا جرم را کاهش و جلوی فساد را بگیرند. جرائم اقتصادی با دو سیاست جنایی کیفری و غیر کیفری قابل کنترل است، بررسی قوانین و مقررات مرتبط با جرائم اقتصادی در کشورمان نشان می‌دهد که سیاست جنایی در این جرائم بیشتر به سمت برخورد کیفری و اعمال مجازات‌های سنگین می‌باشد، موضوعی که در سال‌های اخیر در دستورالعمل‌های روسای محترم قوه قضائیه پس از اذن مقام معظم رهبری مشخص می‌باشد، در کنار سیاست جنایی قهرآمیز شیوه‌های غیر کیفری غیر قهرآمیز نیز از سوی نهادهای متولی می‌تواند در کاهش جرائم اقتصادی مؤثر باشد که در سیاست جنایی کشورمان کمتر به چشم می‌خورد. برای تدوین یک سیاست جنایی که در آن حمایت از بزه دیدگان در اولویت قرار دارد، شناسایی بزه دیدگان و نیازهای آن‌ها حائز اهمیت بسیاری است. بر همین اساس به شیوه توصیفی به بررسی علل و عوامل بزه دیدگی این جرائم و روش‌های مختلف پرداخته شد. نتایج، لزوم شناخت و ارائه تعریف و معرفی کامل جرائم اقتصادی و ارکان مختلف تحقق آن‌ها، از سوی قانون‌گذار و مجامع حقوقی کشور و نیز تدوین متون قانونی لازم و از بین بردن خلأهای قانونی و سپس، لزوم بررسی جرم شناسانه و اصلاح کامل نظام قانونی و قضایی، حمایت از بزه دیدگان جرائم اقتصادی در نظام فعلی سیاست جنایی کشورمان را، متذکر می‌شود که حصول این مهم، با توجه به ارتباط کامل تحقق جرائم اقتصادی با ساختارهای درونی و بیرونی اقتصاد، اصلاح ساختارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: جرم اقتصادی، سیاست جنایی، بزه دیده شناسی، تدابیر حمایتی

۱- مقدمه

ظهور و شکل‌گیری اندیشه‌های بزه دیده محور در دهه‌های اخیر توجه جرم‌شناسان را به‌ضرورت حمایت از بزه دیدگان جلب کرده است. برای تدوین یک سیاست جنایی که در آن حمایت از بزه دیدگان در اولویت قرار دارد، شناسایی بزه دیدگان و نیازهای آن‌ها حائز اهمیت بسیاری است، از آنجاکه یکی از شایع‌ترین جرائم کشور ایران، جرائم اقتصادی بوده و با توجه به آثار و پیامدهای ناگوار این جرائم بر نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، توجه به نیازهای بزه دیدگان این جرائم اهمیت به‌سزایی دارد. در خصوص حمایت‌های کیفی از این بزه دیدگان قوانین متعددی وجود دارد؛ اما در خصوص حمایت‌های غیر کیفی به ندرت و به صورت پراکنده، حمایت‌هایی دیده می‌شود.

توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که علیرغم عدم ارائه آمار قابل اتکاء رسمی در کشورمان، طبق آمارهای موجود تهیه وارائه شده توسط نهادهای نیمه رسمی ملی و بین‌المللی، آمار بزه‌کاری و بزه دیدگی جرائم اقتصادی در ایران، نگران‌کننده است و جایگاه کشورمان در جداول موجود از نظر فراوانی جرم اقتصادی قابل تامل است، در نتیجه، آثار این جرائم در ساختارها مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی کشورمان قابل مشاهده است با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی صحیح، اصلاح ساختار نظام تولید و توزیع در کشور و نیز ساختارهای ارتباطی این سه بخش نظام اقتصادی، استفاده از راهکارهای علمی اقتصادی جهت ارتباط سالم تر نظام توزیع و تولید و مضر و نیز حذف نهاد های غیر ضروری و واسطه که اصول وجودشان به تحقق جرائم اقتصادی می‌انجامد، از راهکارهای اولیه و بنیادین مبارزه با بزه‌دیدگی جرائم اقتصادی در جامعه است. ایجاد و فعال کردن نهادهای نظارتی اقتصادی و استفاده از نتایج فعالیت‌های این نهادها در جهت تغییرات لازم در نهادهای اقتصادی موجود، نظارت رسانه ای و نهادی و علمی بر فعالیت‌های اقتصادی در حال انجام، گسترده کردن اختیارات نهادهای نظارتی کشور و عدم ارجاع نظارت اقتصادی به نهادهای سیاسی، سیاسی نکردن اظهار نظرهای اقتصادی نهادهای نظارتی، هماهنگ کردن نهادهای آماری رسمی و غیر رسمی در ارائه آمارهای اقتصادی و عدم پراکندگی نهاد های ارائه دهنده آمارهای جرائم اقتصادی، جلوگیری از تقابل نهادهای اجرایی اقتصادی و تکذیب فعالیت‌های انجام شده در حیطه نظارت، جلوگیری از فعالیت‌های موازی اقتصادی و نظارتی و نیز استفاده از آمارهای اقتصادی مقدم در فعالیت‌های اقتصادی و اجرایی مقدم از جمله این راهکارهای کلی معضل بزه دیدگی جرائم اقتصادی هستند. در کنار این راهکارها، ارائه آمار و ارقام دقیق و قابل اتکاء از فراوانی و شیوع جرائم اقتصادی و حتی شیوه ها و آثار تحقق این جرائم و نیز اعالم اعداد و ارقام واقعی و علمی در باب تعداد، ویژگیها و گروه های مختلف بزه‌کاران و بزه‌دیدگان جرم اقتصادی و ابعاد و روشهای مختلف تحقق بزه دیدگی این جرائم و آثار و صدمات آن، از مهمترین و ابتدایی ترین راهکارهای شناخت جرائم اقتصادی و بزه دیدگان آن است. ایجاد نهادهای خاص جهت بررسی و تحقق در باب فعالیت‌های اقتصادی، اعم از فعالیت‌های قانونی، استفاده از آمارهای طبقه بندی شده قابل دسترسی در نهادهای نظارتی، ارائه گزارش عملکرد های نهادهای اجرایی و نظارتی در باب جرائم اقتصادی بصورت پیوسته و منظم، دسترسی نهادهای قانونگذاری و حقوق کیفری و نیز نهادهای برخورد کیفری و پیشگیری به آمارهای مذکور، همکاریهای علمی و پژوهشی و دانشگاهی، با نهادهای اقتصادی و پیشگیری بین المللی و توجه به آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای اجرایی و اقتصادی و حقوقی بین المللی، از مهمترین راهکارهای بررسی و تقلیل آمار جرائم اقتصادی بنظر می‌آیند.

نظام اقتصادی هر کشور یکی از ارکان اساسی توسعه و پیشرفت آن کشور، در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی است و وجود یک نظام اقتصادی سالم و دارای ساختار قانونی و کامل و یا حداقل نظام اقتصادی کم نقص آرمانی است که پیشرفت و توسعه یافتگی نظامهای اجتماعی را دربردارد. آسیب پذیری نظام اقتصادی و عدم سلامت آن، نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حقوقی جامعه را دچار صدمات جبرانناپذیری میدر راستای این تأثیر و تأثر مستقیم نظام اقتصادی بر شئون دیگر جامعه، جرم اقتصادی بعنوان عامل مخدوش کننده امنیت نظام اقتصادی و بررسی ارکان و مبانی تحقق و گسترش آن در جامعه، اهمیت بسزایی در گسترش ابعاد مختلف امنیت در جامعه دارد. بر همین مبنا، ابعاد مختلف جرم اقتصادی و میزان تحقق آن، میزان بزه دیدگی آن و نیز شناخت راهکارهای پیشگیری و حمایتی مربوط به آن‌ها میتواند میزان این آسیب پذیری را در نظام اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی محدودتر و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف آنرا میسر کند.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- تعریف سیاست جنایی

به موازات گسترش ارتباطات، تکنولوژی، صنعت و روند رو به رشد شهرنشینی، زمینه ارتکاب جرایم افزایش یافته و شیوه های ارتکاب جرایم متکثر و پیچیده شده است. علاوه بر بکار بردن سیاست کیفری در این مدت، باید گفت که همه هنجارهای جامعه با ضمانت اجرای کیفری مورد حمایت قرار نمی گیرند. به همین دلیل به تدریج حقوق کیفری سلطه انحصاری خود را از دست داده و مفهوم اجتماعی انحراف در کنار مفهوم حقوقی جرم پیدا شد و به دنبال آن مداخله مراجع گوناگون اجتماعی، در کنار مراجع دولتی، در پاسخهای پیشگیرانه و واکنشی به هنجارشکنی گسترش و اهمیت پیدا کرد.

پس از تحولاتی که در دو سده اخیر درباره بنیادهای بزهکاری بوجود آمد جرم شناسان به این عقیده گرایش پیدا کردند که جهت تدوین سیاست های جنایی کارآمد و پویا، علاوه بر پدیده بزه و شخصیت بزهکار، عوامل دیگر محیط و اجتماع را نیز در نظر گرفته و سیاست جنایی را فراسوی سیاست کیفری مورد توجه قرار دهند.

«سیاست به طور مختصر و ساده عبارتست از درک، تدبیر و اداره مسایل و امور جامعه، بدین سان سیاست جنایی از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت های بزهکاری یا کژروی (انحراف)، در ارتباط است»

اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسلیم فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد از نظر او سیاست جنایی «مجموعه شیوه های سرکوب گرانهای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد» می باشد. (دلماس، ۱۳۸۱: ۲۳)

بنابراین امروزه در مفهوم موسع «سیاست جنایی عبارتست از کلیه تدابیر و اقدام های پیشگیرانه و سرکوبگرانه ای که توسط دولت و جامعه مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم بکار برده میشود».

هر سیاست جنایی هدفداری، جهت دستیابی به اهداف خود به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده سیاست جنایی، می توانیم آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم نمائیم. (لازرز، ۱۳۸۲: ۳۹)

سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین که شامل قانون اساسی، قوانین جزایی و آئین دادرسی کیفری می باشد، سیاست جنایی قضایی با استفاده از ابزارهای قضایی که مقام قضایی بنا بر اختیارات خود می تواند از آنها استفاده کند مانند مجازات های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و ... و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از حمایت و مشارکت اهرم های مردمی (علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی و قضایی) سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند. (نجفی پرنده آبادی، ۱۳۸۲: ۱۱)

سیاست جنایی در کشورها و جوامع نقش کنترل بزهکاری را برعهده دارد. به عبارت دیگر، پدیده مجرمانه را برای مردم قابل تحمل کرده و از میزان جرایم کاسته یا جرایم را ریشه کن می نماید. لذا نبودن سیاست جنایی سبب هرج و مرج در جامعه می شود.

۲-۲- تعریف بزه دیده

بزه دیده طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «شخصی است که از وقوع جرم محتمل ضرر و زیان می گردد...» بنابراین، بزه دیده یک مفهوم عام از کسی است که از وقوع جرم آسیب دیده است. این فرد می تواند یک شخص حقیقی مانند همه افرادی که در جامعه هستند باشد و یا یک شخص حقوقی مثل شرکت ها. آسیب و ضرری که به بزه دیده وارد میشود می تواند مادی یا معنوی باشد. بزه دیده در برابر بزه کار قرار دارد. بزهکار فردی است که مرتکب جرم شده است.

برخلاف نظریه برخی از اندیشمندان که دو تعریف را مقابل هم میدانند تعریف موسع و مضیق با هم پیوند دارند و بر اساس هر دو تعریف، بزه دیده به افرادی اطلاق میشود که به نحوی از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده باشد؛ زیرا در

هر دو، تعریف علاوه بر ذکر خاستگاه ضرر و زیان فعل و ترک فعل، به متضرر شدن افراد نیز اشاره دارد. در نتیجه کسانی که بر اثر جرائم ناقص مانند شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم، خسارت مادی و معنوی ندیده اند، بزه دیده به حساب نمی آیند. بر این اساس بهتر است بزه دیده چنین تعریف شود بزه دیده شخصی حقیقی یا حقوقی است که در پی وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان مادی یا معنوی شده است و نیاز مبرم به تأمین ضرر و زیان و جبران خسارت مادی و روانی دارد. بررسی حقوق کیفری حکایت از آن دارد که پژوهش های جرم شناسان و مسائل حقوق جزا، بیشتر بر عناصری چون جرم مجرم و مجازات متمرکز بوده است و در نتیجه قربانی جرم که در دوره انتقام خصوصی، نقش محوری را در فرایند تعقیب و مجازات مجرم بر عهده داشته و دفاعیات اصلی را در محاکمات ایفا می کرده با طولانی شدن روند محاکمه از نظر دور مانده و اهمیت خود را در مراحل مختلف عدالت کیفری از دست داده و حمایت از حکمرانان و دولت ها جایگزین آن گردیده است. برخی از اندیشمندان به ابعاد ارزش حمایت از بزه دیدگان در جامعه اشاره نموده و معتقدند که حراست پاسداری از ارزش های یک جامعه سرلوحه حقوق جزا قرار داشته و اصولاً از اهداف بنیادین سیاست جنایی محسوب می شود؛ زیرا حمایت از نیازمندان مستضعفان و به ویژه بزه دیدگان جزء ارزشهای جوامع است و از این رو حمایت از آنان مبنای ارزشی دارد.

۲-۳- تعریف جرم اقتصادی

جرائم اقتصادی از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای رفتار و اعمال مجرمانه یا جرایمی هستند که تاثیر به سزایی در نظام اقتصادی دارند و در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می یابند یا به این قصد انجام می شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می شوند. اختلال در نظام اقتصادی از مهم ترین ویژگی های جرائم اقتصادی است. تعدادی از جرائم مالی اگر در سطح گسترده و با هدف ضربه زدن به اقتصاد و نظام اقتصادی ارتکاب یابد می توانند جرائم اقتصادی تلقی شوند. برخی از مهم ترین جرائم اقتصادی عبارتند از: قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری و رشوه و ارتشا. جرم اقتصادی جرمی نیست که ویژگی اقتصادی داشته باشد، بلکه جرمی است که آثار و تبعات سوء اقتصادی داشته باشد.

در مورد مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی باید بیان داشت؛ بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، شمول مرور زمان را نسبت به جرائم اقتصادی منع کرده و در تعیین مصادیق این دسته از جرائم مقرر می کند: «جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده» ماده ۳۶ قانون مزبور نیز در خصوص انتشار حکم محکومیت قطعی برخی از جرائم است که در تبصره آن، انتشار حکم قطعی سیزده دسته از جرائم را که میزان مال موضوع جرم یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، به صورت الزامی مورد حکم قرار داده است که وفق بند «ب» ماده ۱۰۹ قانون مذکور این سیزده دسته جرم به همراه کلاهبرداری ذیل عنوان جرائم اقتصادی قرار گرفته اند که عبارت اند از:

«الف - رشاء و ارتشاء ب - اختلاس پ - اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا، دیگری ت - مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری
ث - تبانی در معاملات دولتی، ج - اخذ پورسانت در معاملات خارجی، چ - تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت ح - جرائم گمرکی خ - قاچاق کالا و ارز، د - جرائم مالیاتی، ذ - پولشویی ر - اختلال در نظام اقتصادی کشور،
ز - تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی».

چندین نکته در روش تبیین جرم اقتصادی در ماده مذکور شایان توجه است: قانون از تعریف کلی جرم اقتصادی اجتناب کرده و از روش تبیین مصداقی همانند روش شورای اروپا استفاده کرده است این روش قبل از قانون مذکور در بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص جرائم کلان اقتصادی نیز به کار گرفته شده بود. بررسی این دو مقرر نشان می دهد که مصادیق آنها انطباق کامل ندارند.

شکل نگارش ماده به صورتی است که این مصادیق حصری است و مانع اطلاق عنوان «جرم اقتصادی» به سایر جرائم می شود از این رو سایر رفتارهای مخل نظم اقتصادی در صورتی که یکی از مصادیق جرائم مذکور نباشد، به هر اندازه که اهمیت

داشته باشند عنوان جرم اقتصادی» ندارند و مشمول تشدیدهای مذکور در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهند بود. (حسنی، مهرا، ۱۳۹۴: ۵۳ و ۵۴)

۳- حمایت از بزه دیده

امروزه حمایت از بزه دیده مورد توجه جرم شناسی و حقوق کیفری قرار گرفته است. بزه دیده، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد. واژه ی بزه دیده، در بردارنده ی بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم است. بر اساس ضابطه ی «بزه دیده»، به تقسیم بندی انواع جرائم اقتصادی پرداخته و آنها را به شش دسته ی زیر تقسیم می نماید.

۱- بزه دیدگان جرایمی که مرتکبان آنها، سرمایه گذاران اقتصادی و شرکای وی هستند و عبارتند از سهامداران یک شرکت و ماموران وصول مالیات. گروه دیگر از این دسته، کسانی هستند که در هنگام انتقال سرمایه از یک سرمایه گذار اقتصادی به دیگری، ممکن است در اثر تقلب در انتقال سهامی که دارای ارزش یا بین یا اساساً بی ارزش است، متضرر شوند. بزه دیدگان این جرم را نیز سهامداران یا ماموران وصول مالیات تشکیل می دهند.

۲- اعمالی که موجب ورود ضرر به بستانکاران شرکت یا بنگاه اقتصادی می شود، مانند ورشکستگی، اعم از به تقصیر یا به تقلب. بزه دیدگان این جرم ممکن است ماموران وصول مالیات و بستانکاران یک شرکت، که شامل مستخدمان آن شرکت نیز میشود، باشند. این قسمت شامل تخلف سرمایه گذار از مقررات مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد، همچنین سوء عملکرد وی در خصوص شرایط محیط کار از لحاظ ایمنی و بهداشت کار است و موجب در معرض خطر قرار گرفتن تمامیت جسمانی ایشان میگردد.

۳- اعمالی که مصرف کنندگان کالا و خدمات از آنها متضرر میشوند و به دلیل غیر استاندارد بودن کالا و موارد دیگر، بزه دیده واقع میشوند.

۴- اعمالی که بزه دیدگان آنها شامل رقبای یک فعالیت اقتصادی می باشند. مانند تبلیغات علیه شرکت رقیب.

۵- اعمال مربوط به مقررات حمایت از محیط زیست در عرصه ی اقتصادی مانند آلودگی های ناشی از فعالیت های صنعتی.

۶- دسته ی آخر از بزه دیدگان، عبارت از سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی میباشد که در جرائم مربوط به انواع مختلف برداشتن کالا از مغازه، کلاهبرداری یا چک و کارت های اعتباری، کلاهبرداری مربوط به بیمه یا جرائم کامپیوتری متضرر میگردند. (مهدهوی فر، ۱۴۰۰: ۹۵۲)

۴- سیاست جنایی کنشی و واکنشی در قبال جرم اقتصادی

در این قسمت دو نوع سیاست مشارکتی از نوع کنشی و واکنشی را مورد بررسی قرار گرفته اند.

۴-۱- سیاست کنشی در قبال جرائم

نظام قضایی ایران در تمام دوران نسبت به بیت المال و جرائمی که به نحوی سبب دست درازی به اموال مردم بوده با حساسیت خاصی واکنش داده است و همین سیاست به اشکال مختلف نیز ادامه داشته است و دو نوع سیاست کنشی و واکنشی در قبال جرم اقتصادی وجود داشته که در ذیل به تشریح آنها پرداخته شده. است سیاست کنشی جنایی عمل شامل آن دسته از اقدامات غیر کیفری است که قبل از ارتکاب جرم و انتقال اندیشه به عمل با مداخله در شرایط مجرمانه انجام می شود اساساً در ارتکاب جرم اقتصادی سه گروه احتمال وقوع جرم قابل تصور است دسته اول اشخاص حقیقی یا شهروندان. هستند گروه دوم اشخاص حقوقی، خصوصی شرکتها و شرکتهای خصوصی که ارتکاب جرائم اقتصادی توسط آنها گسترده تر است و گروه سوم اشخاص حقوقی دولتی و شبه دولتی که در اکثر موارد طرفین جرائم گسترده و سازمان یافته هستند مقابله با آن از مهمترین وظایف قوه قضائیه برای پیشگیری از مفاسد اقتصادی است. این امر به تدریج منجر به تهیه لوایح قانونی مناسب میشود (مقیمی ۱۳۹۶: ۹۲)

در راستای سیاست جنایی فعال مداخله در موقعیتهای مجرمانه از طریق سیستمهای نظارتی ضروری است در حالی که در ایران ضعف سیستم نظارتی یکی از عوامل اصلی جرائم اقتصادی است همیشه این سوال مطرح بوده است که چرا با وجود نهادهای نظارتی متعدد مانند بازرسی کل کشور همچنان شاهد انواع فساد، مالی اقتصادی و اقتصادی هستیم؟ در پاسخ به این سوال از یک سو میتوان به عدم همکاری و مساعدت لازم قوای سه گانه ملی با یکدیگر و از سوی دیگر عدم فرهنگ سازی، تبلیغات و پذیرش موضوع به عنوان یک موضوع اشاره کرد.

۴-۲- سیاست جنایی واکنشی در قبال جرائم اقتصادی

این نوع سیاست جنایی در واقع پاسخی به مجرم و بزهکاری است و شامل مجموعه اقدامات نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم برای جلوگیری از ارتکاب مجرمان بالقوه و بالفعل اعمال میشود. به عبارت دیگر مجازات به عنوان سلاحی برای پیشگیری از جرم به عنوان سنتی ترین و اجتماعی ترین راه حل استفاده میشود. برداشت از مجازات این است که ماهیت ارباب و آموزش مؤثر است و مجازات مجرم به دنبال جلوگیری از تکرار جرم است و انتظار میرود که مجازات مجرم از هر مجرمی که ممکن است مرتکب شده باشد بازدارندگی داشته باشد. در واقع جامعه با چنین واکنشی قصد دارد با ایجاد ترس از رفتن جایگاه اجتماعی مجرمان بالقوه و بالفعل از سوق دادن آنان به سمت جرم و جنایت جلوگیری کند. مجازات یک رویکرد سنتی است که در واقع واکنشی به جرم است. این رویکرد از زمان شکلگیری جوامع بشری حول این توجیه بوده است که مجرم باید به کیفر و بازدارندگی مجرم و مجازات مجرمان احتمالی منجر شود (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۶۳)

این نوع تفکر جنایی را میتوان در سیاست جنایی ایران مشاهده کرد، سیاستی که صرفاً مبتنی بر برداشتهای انتزاعی از مفهوم جرم و مجازات است و نه تنها نظام قضایی را با بحران تورم کیفری، بلکه حقوق، از اول انقلاب و آزادیهای فردی، زمینه های نارضایتی بی اعتمادی جامعه نیز به عملکرد و از بین رفتن سیاست جنایی کمک کرده است.

سرکوب در متون مجرمانه، بدون توجه به مصالحه اجتماعی، به دلیل تعدد رفتارهای مجرمانه و احتمال بیشتر، از قبیح اعمال مجرمانه، از تعهد افراد و احترام به ارزشهای جامعه میکاهد. (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۱۷)

۵- انواع سیاست جنایی در قبال جرائم اقتصادی

۵-۱- سیاست جنایی در قبال قاچاق کالا و ارز

مقنن با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به کیفرزدایی و قضازدایی نوینی در زمینه قاچاق متوسل شده و صلاحیت انحصاری مراجع قضایی در زمینه رسیدگی به جرم قاچاق کالا را تا حدود زیادی محدود نموده است و پاسخ های جنایی به منظور مبارزه با پدیده قاچاق کالا را به دو مرحله اداری (ماهیتاً مالی) و قضایی تقسیم و تفکیک نموده است. مطابق ماده ۴۴ قانون مزبور رسیدگی به جرائم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته حرفه ای قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. سایر پرونده های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. فلذا براساس قانون مزبور اعلام و اجرای تعدادی از ضمانت اجراهای صرفاً مجازاتهای مالی با خصیصه اداری در صلاحیت مقام های اداری بوده که در طی یک فرآیند کیفری اداری نسبت به مرتکبین این گونه جرائم تحمیل میشوند و اعمال تعداد دیگری از این ضمانت اجراها مجازاتهای (ترهیبی) مطلقاً در صلاحیت مقامهای قضایی بوده، و نهادهای اداری در تعیین و اعمال آنها فاقد هرگونه صلاحیت قانونی میباشند (کوشا و دهقانی سانچ، ۱۳۹۶: ۹۴).

۵-۲- سیاست جنایی در قبال احتکار

مبارزه با احتکار به عنوان یکی از مفاسدی که جامعه را از نظر اقتصادی تهدید میکند و موجب نوسانات پیش بینی نشده ای در بازار از نظر فراوانی کالا و کمبود آن و قیمت میگردد و انسانها را جهت تهیه مایحتاج خود به عسر و حرج و میدارد و اخلال

در نظام اقتصادی به وجود آورده و ناراحتی های روحی و روانی شدید بر افراد عارض مینماید و نهایتاً باعث دارا شدن به ناحق محترکین میشود، از دیرباز مدنظر حکومت اسلامی بوده و سیاست جنایی اسلام با پدیده احتکار به عنوان یک بزه اقتصادی مانند همه بزه های اقتصادی و غیراقتصادی دیگر بر پایه پیشگیری بوده و سعی بر آن بوده که قبل از وقوع فساد، فرد فاسد را از ارتکاب فساد باز دارد و چنانچه اقدامات پیشگیرانه نسبت به افرادی که قصد ارتکاب بزه را دارند، مؤثر واقع نشود، جهت مقابله با بزهکار اعمال مجازات مناسب و تنبیه بزه کار و رفع خطری که از ناحیه وی متوجه افراد جامعه است و جبران میزان خسارات وارده به عنوان حربه نهایی مبارزه با فساد در رأس سیاست جنایی قرار دارد. بنابراین، چنانچه توصیه های اخلاقی برای جلوگیری از احتکار مؤثر واقع نشود، شخص یا اشخاصی که اقدام به احتکار نمایند، باید جامعه واکنش لازم مانند واکنش به همه بزهکاریهای دیگر را نشان دهد و فرد خاطی را که با انجام اعمال مجرمانه موجبات ضرر به جامعه و اخلال در نظام اقتصادی را فراهم کرده است، کیفر نماید (کوشا و دهقانی سانچ، ۱۳۹۶: ۹۵-۹۴).

۵-۳- سیاست جنایی ایران در قبال پول شویی

با توجه به تصویب قانون مبارزه با پولشویی به بررسی سیاستگذاریهای مقنن در قانون مبارزه با پولشویی پرداخته می شود: قانون گذار ایران در قانون مبارزه با پولشویی برای مرتکبین این گونه جرائم، پاسخ های کیفری ناچیزی در نظر گرفته که نه تنها نوعی پیشگیری کیفری محسوب نمی شود و چاره ساز نیست، بلکه ناچیز بودن میزان کیفر موجب ایجاد انگیزه در گسترش پولشویی می شود. وفق ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصله به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم میشوند (مهدوی پور، ۱۳۹۲: ۶۵).

همچنین در صورت فقدان اصل و منافع حاصله، به استرداد مثل یا قیمت آن محکوم خواهند شد. همینطور در تبصره یک ماده ۹ مقرر گشته: چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد به نظر میرسد اعمال یک چهارم جزای نقدی به عنوان مجازات، مشوق بزرگی برای متخلفان باشد، زیرا در صورت به دام افتادن پرداخت این مبلغ برای مجرمان رقم بالایی نخواهد بود و تا جایی که مطلوبیت حاصل از فساد بالاتر از جرم، باشد مفسدان در ادامه راهشان مستحکم تر خواهند بود. علاوه بر موارد فوق، تبصره ۳ ماده ۹ مقرر می دارد مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم ارتکابی به مجازاتهای پیش بینی شده در این قانون محکوم خواهند شد. قانون گذار با تدوین این تبصره در مقام بیان این مطلب است که مجازاتهای منشأ جرائم ارتکابی مانند قاچاق کالا و ارز قاچاق مواد مخدر، اختلاس ارتشاء و ... همچنان به قوت خود باقی است؛ چراکه جرم پولشویی جرمی است مستقل و دارای مجازات مستقل.

مشکل اصلی قانون مبارزه با پولشویی در تعیین نمودن مجازات مرتکبین جرم پولشویی این است که قانون گذار صرفاً به جزای نقدی اشاره کرده و مجازات زندان و سایر مجازاتهای تکمیلی و تبعی را برای این جرم در نظر نگرفته است. بنابراین مقنن بدون اینکه کیفر حبس را به صورت مجازات اصلی اجباری توأم با جزای نقدی معادل یک چهارم ارزش دارایی و منافع حاصل از جرم مقدم در نظر بگیرد، فقط جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی جرم پولشویی بسنده کرده است لذا این سیاست گذاری جنایی قانون گذار برای مقابله با جرم پولشویی، نامناسب به نظر میرسد (کوشا و دهقانی سانچ، ۱۳۹۶: ۹۶).

۵-۴- سیاست جنایی در قبال کلاهبرداری

جرم کلاهبرداری، جرمی است علیه اموال و مالکیت که غالباً متضرر اصلی، آن فرد یا افرادی محدود و حقیقی است؛ لیکن متضرر جرائم اقتصادی، عموم مردم و منافع دولت است. خصوصاً اینکه برخی معتقدند فساد اقتصادی در اقتصاد کلان و نه آنچه در ذهنها امروز مرسوم گشته است به خروج سرمایه و سایر عوامل تولید و رونق اقتصادی از کشور و در نتیجه رکود و عقب ماندگی اقتصادی و یا تضييع منابع و فرصتهای عظیم ملی تعبیر میشود ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری عنصر قانونی جرم عام کلاهبرداری است قانون گذار در کنار جرم کلاهبرداری، موارد دیگری را به

معنای خاص و به صورت متفرقه پیش بینی کرده است که گاه در ردیف جرم کلاهبرداری و گاه شدیدتر از آنست؛ در واقع این جرائم ذاتاً و از لحاظ موضوع کلاهبرداری نبوده، ولی مقنن این قبیل جرائم را از حیث اعمال مجازات در ردیف کلاهبرداری قرار داده است. از آن جمله میتوان جرم سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص، ورشکستگی به تقصیر یا تقلب، تقلب منجر به کلاه برداری در شرکتهای مختلط، تقلب منجر به کلاهبرداری در شرکتهای سهامی تقلب منجر به کلاهبرداری در شرکتهای با مسئولیت محدود، معامله به قصد فرار از دین انتقال مال غیر به واسطه تبانی اشخاص و ... اشاره کرد (همان).

۵-۵- سیاست جنایی در قبال اختلاس

رکن قانونی این جرم در نظام حقوقی فعلی ایران ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه برداری است که ایرادات وارد بر این ماده به شرح ذیل است:

- ذکر عبارت نیروهای مسلح در ماده ۵ قانون تشدید ... با توجه به قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، موضوعاً منتفی است و اختلاس نظامیان مشمول ماده ۱۱۹ قانون مذکور مصوب ۱۳۸۲ می باشد.

جرم اختلاس در نظام حقوقی ایران با توجه به صراحت ماده ۵ قانون تشدید مختص کارکنان دولت بوده و کارکنان بخش خصوصی را حتی اگر در ارتباط با وظایف عمومی مشغول به فعالیت باشند، نمی توان به اتهام اختلاس تحت تعقیب قرار داد؛ با عنایت به قسمت پایانی ماده ۵، تبصره ۲ و ۵ ذیل آن، مبالغ تعیین شده با عنایت به تورم ۹/۹۹ سالهای پس از تصویب قانون، غیرواقعی به نظر میرسد و عملاً می توان گفت در بیش از درصد از جرائم ارتكابی حسب مورد براساس تبصره دو یا پنج به ناچار حداکثر مجازات، ملاک تصمیم گیری قرار خواهد گرفت (محسن پور، ۱۳۹۲: ۷۲)

۵-۶- سیاستهای جنایی در قبال رشاء و ارتشاء

عنصر ماده مادی صور عام این دو جرم را باید در سه ماده ذیل جست و جو کرد: ماده ۳ قانون تشدید... ماده ۵۹۰ در مورد جرم رشاء و ماده ۵۹۲ در تبیین معنی رشوه ق.م.آ؛ لیکن این جرائم نیز دارای صور خاص در قوانین متفرقه هستند که عبارتند از:

۱- رشاء و ارتشاء در مورد داوران، ممیزان و کارشناسان موضوع ماده ۵۸۸ ق.م.آ و ماده ۱۴ و ۹۲ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷

۲- تسهیل ارتشاء، موضوع ماده ۵۹۳ ق.م.آ؛

۳- ثروت های ناشی از موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی و ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹؛

۴- ارتشاء در امر نظام وظیفه موضوع ماده ۶۰ قانون نظام وظیفه اصلاحی ۱۳۶۸؛

۵- اخذ رشوه از سوی پزشک برای دادن گواهی خلاف واقع؛

۶- اخذ کمیسیون و پورسانت و (کوشا و دهقانی، سانجی، ۱۳۹۶: ۹۷).

۶- تدابیر حمایتی غیر کیفری از بزه دیدگان جرائم اقتصادی در سیاست جنایی ایران

از زمانی که بزه دیده به عنوان عنصر مهمی از جرم مورد توجه جرم شناسان قرار گرفته راهکارهای حمایت از او نیز بالطبع مورد توجه قرار گرفته است. بخش اعظم این راهکارهای حمایتی صبغه ی کیفری دارند. حال آنکه تدابیر حمایتی مطلوب از بزه دیدگان باید شامل طیفی از حمایتهای کیفری و غیر کیفری باشد، هرچقدر حمایتهای غیر کیفری بیشتری نسبت به بزه دیدگان وجود داشته باشد مراجعه آنها به مراجع قضایی کمتر و این امر باعث کاهش حجم پرونده های موجود در دادگاه ها میشود.

در این مبحث به بررسی بررسی تدابیر حمایتی غیر کیفری نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی خواهیم پرداخت، همچنین باید در نظر داشت که بزرگترین راهکار پیشگیرانه از وقوع جرائم اقتصادی و بزه دیدگی حاصل از آن اصلاح ساختار اقتصادی جرمزا است که خود نیازمند بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم است که به آن اشاره خواهد شد.

۶-۱- تدابیر حمایتی تقنینی نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی

اولین و مهمترین گام، در حمایت از بزه دیدگان تصویب قوانین حمایتی نسبت به آنها از سوی قوه ی مقننه است؛ بنابراین ابتدا باید بررسی کرد که چه حمایت‌های غیر کیفری می‌تواند از سوی قانون‌گذار نسبت به بزه دیدگان جرائم مختلف از جمله جرائم اقتصادی وجود داشته باشد و قطعاً مهمترین عامل در تصویب چنین حمایت‌هایی شرایط و اوضاع و احوال است از اینجهت که باگذشت زمان همواره جرائم جدید با روشهای ارتكابی مختلف به وقوع می‌پیوندند و طبیعتاً قانون‌گذار حکیم باید این شرایط را رصد کند.

اولین و مهمترین حمایت تقنینی از سوی قانون‌گذار ارانهی تعریفی جامع و مانع از جرائم اقتصادی در قانون است چرا که عدم وجود یک تعریف دقیق موجب پراکندگی و خلأهای قانونی زیادی شده است و طبیعتاً این خلأها قضات محاکم را با مشکلات زیادی مواجه خواهد کرد؛ بنابراین ارائه ی یک مفهوم شناسی دقیق از جرم اقتصادی و تعیین حدود و ثغور آن در حال حاضر مهمترین کاری است که می‌تواند توسط قانونگذاران صورت گیرد.

دومین حمایت تقنینی تعیین مصادیق جرائم اقتصادی است زیرا تورم قوانین کیفری در خصوص تعیین مصادیق جرائم اقتصادی بسیار زیاد است مثلاً با تصویب قانون مبارزه با اخلاک‌گران انتظار میرفت که این قانونی پایانی بر عناوین و تعاریف مختلف در قوانین مختلف باشد اما این امر محقق نشد. وجود قوانین متعدد و بخشنامه های خاص در باب جرائم اقتصادی باعث سردرگمی دستگاه های اجراکننده، بزه دیدگان، مراجع قضایی و عدم اتخاذ برخوردی صریح و قاطع با بزهکاران میشود. سومین حمایت تقنینی نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی، ارائه ی راهکارهای حمایتی است که از طریق قانونگذاری صحیح و اعمال یک سیاست جنایی صریح و شفاف صورت می‌گیرد. با پیشبینی چنین حمایت‌هایی نه تنها از بزه دیدگی بالقوه ی بزه دیدگان جرائم اقتصادی جلوگیری میشود بلکه بالطبع بزه دیدگی بالفعل نیز کاهش خواهد یافت.

شفافیت و صراحت قوانین کیفری در حمایت از بزه دیدگان جرائم اقتصادی علاوه بر تداوم یک سیاست جنایی مطلوب به فرهنگسازی حقوقی و قضایی نیز کمک شایانی خواهد کرد و این امر باعث اعتماد بزه دیدگان به نظام قضایی و کاهش جرائم نیز خواهد شد. (عابدی تهرانی، ۱۳۹۶: ۲۱۴)

۶-۲- تدابیر حمایتی قضایی نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی

۶-۲-۱- حمایت های حق مدار

پس از ارائه ی راهکارهای حمایتی تقنینی نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی، نوبت به حمایت‌های قضایی از آنها میرسد و منظور از آن حقوق و امتیازاتی است که بزه دیدگان باید در فرایند دادرسی کیفری یعنی از زمان اعلام جرم تا اجرای حکم از آن برخوردار باشند و طبیعتاً این حقوق در خصوص بزه دیدگان جرائم اقتصادی نیز صدق میکند که در این قسمت به آنها اشاره خواهیم کرد

- دسترسی آسان به نهادهای مرتبط با اعلام جرم

همانطور که میدانیم نرخ اعلام جرم در خصوص جرائم اقتصادی خصوصاً درجایی که این جرائم به صورت کلان رخ میدهد پایین است و معمولاً این جرائم در حاله ای از ابهام باقی میمانند بنابراین باید بسترهای لازم برای ترغیب بزه دیدگان به اعلام جرم فراهم شود. در این راستا باید نهادهایی پیش بینی شود تا بزه دیده جرم اقتصادی را در این امر یاری کند که در ذیل به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

۶-۲-۱-۱- مجتمع قضایی رسیدگی به جرائم اقتصادی:

ایجاد مجتمع قضایی تخصصی جهت رسیدگی به پرونده های جرائم اقتصادی جهت مراجعه ی مستقیم و اعلام جرم و گزارش دهی مستقیم یکی از این بسترهاست. به طور کلی به منظور انجام بهینه ی وظایف قوه ی قضاییه در مسائل اقتصادی جامعه، پیشگیری از وقوع مفاسد و جرائم اقتصادی، حمایت از سرمایه گذاری سالم، تسریع در تعقیب، تحقیق، رسیدگی،

صدور حکم و اجرای احکام، دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران توسط رئیس قوه قضاییه صادر شده است. اهداف تشکیل این مجتمع عبارت است از:

- ۱- پیشگیری از بروز جرائم و مفاسد اقتصادی.
- ۲- همکاری با نهادهای ذیربط جهت اصلاح ساختارهای فسادزا و تحقق شفافیت در فعالیتهای اقتصادی.
- ۳- ایجاد تمرکز و ساختار متناسب در دادگستری در جهت مبارزه با مفاسد و جرائم اقتصادی.
- ۴- اتخاذ سیاست کیفری متناسب و برخوردار از سرعت، دقت و بازدارندگی در رسیدگی به جرائم اقتصادی.
- ۵- ارتقاء کارآمدی و تقویت ارتباط و تعامل فیما بین مرجع قضایی و ضابطان در رسیدگی به پرونده های مربوط.
- ۶- ایجاد زمینه برای اطلاع رسانی مناسب در جهت اقناع افکار عمومی»

زمانی که بزه دیده یک مرجع کاملاً تخصصی را برای رسیدگی به جرمی که علیه وی واقع شده است در کنار خود حس کند احساس دلگرمی بیشتری کرده و برای گزارش دادن جرم ترغیب خواهد شد. خصوصاً که در جرائم اقتصادی، جبران خسارات مادی اهمیت ویژه‌ای برای بزه دیده دارد بنابراین تسریع در رسیدگی برای او از همه چیز مهمتر است. اگر رسیدگی به جرائم اقتصادی در این مجتمع رواج یابد جدا از رسیدگی دقیق و تسریع در آن، حجم کاری سایر دادگاه ها نیز کاهش مییابد و برای بزه دیده نیز فواید زیادی خواهد داشت «بنابراین پس از فراهم شدن بسترهای لازم جهت دسترسی آسان به نظام قضایی، مهمترین راهکار حمایتی قضایی، رسیدگی سریع و صدور احکام دقیق و قاطعانه جهت عدم اطاله ی دادرسی است. اگرچه این اصل باید در خصوص همه ی جرائم وجود داشته باشد اما ضرورت آن در جرائم اقتصادی به علت آثار گسترده و ویژگی مرتکبین آن‌ها که اغلب بسیار حرفه ای بوده و به سرعت به دنبال از بین بردن آثار جرم هستند، بیشتر احساس میشود. به نظر میرسد یکی از مهمترین علل اطاله ی دادرسی در پرونده های جرائم اقتصادی کشورمان، با امعان نظر به آمار ارائه شده از سوی مجتمع جرائم اقتصادی و اندک بودن پرونده ها و انتظار رسیدگی با سرعت بسیار بیشتر، درهم آمیختگی مصالح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با رسیدگی به پرونده های جرائم مذکور عموماً به علت شخصیت خاص مرتکبین و متهمین آن‌ها میباشد که این مصلحت طلبی در بسیاری از موارد منجر به خدشه دار شدن حقوق متهمین خواهد شد» (عابدی تهرانی، ۱۳۹۶: ۲۲۲)

۶-۲-۱- نقش سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری رسیدگی به جرائم اقتصادی

اص ۲۶ قانون اساسی مقرر میدارد: احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

«سازمان مردم نهاد، سازمانی غیردولتی محسوب میشود که تشکیلات و ساختاری مشخص داشته، غیر حکومتی باشد و عمدتاً اعتبار آن از بخش غیردولتی تأمین شود، به علاوه غیرانتفاعی و داوطلبانه بوده، پاسخ گوی تمام یا بخشی از نیازهای جامعه ی خود باشد (طاهر الهایی، ۱۳۹۵: ۳۰)

ماده ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر میدارد: سازمانهای مردم نهادی که اساسنامه ی آن‌ها در زمینه ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است

میتوانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. یک نمونه از نقش های سازمانهای مردم نهاد در حمایت از حقوق بزه دیده در مرحله ی تعقیب و دادرسی را میتوان در خصوص طرح شکایت به نمایندگی از مصرف کنندگان مشاهده کرد. این نقش آنقدر حائز اهمیت است که برخی حمایت از حقوق مصرف کننده را به معنای دقیق کلمه، حق دادرسی در محاکم قضایی میدانند. از آنجاکه سازمانهای غیردولتی باهدف غیرانتفاعی فعالیت میکنند به همین دلیل مصرف کننده ی زیان دیده می‌تواند به طور رایگان یا با هزینه ای اندک از خدمات حقوقی و مشاوره ای این نهادها در دادگاه بهره مند شود. امتیاز دیگر اعطای نمایندگی به سازمانهای غیردولتی این است که اگر مصرف

کننده، به عنوان یک شخص حقیقی، علیه سازمانهای تولیدکننده به ویژه تولیدکنندگان دولتی طرح شکایت کند به دلیل وجود خطر عدم رعایت برابری احتمالی اصحاب دعوا در دادگاه، حضور آن به عنوان نماینده ی مصرف کننده می تواند از لحاظ روانی این نابرابری را به تعادل تبدیل کند.

به نظر نگارنده پیش بینی نهادهای جامعه ی در کنار مراجع رسمی قانونی امری پسندیده است و نمونه ی بارز یک سیاست جنایی مشارکتی محسوب میشود اما بهتر بود که قانون گذار در ماده ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، جرائم اقتصادی را هم در حوزه ی اعلام جرم این سازمانها قرار میداد زیرا این سازمانها در جهت منافع و مصالح عمومی جامعه فعالیت میکنند و از آنجاکه در سالهای اخیر جرائم اقتصادی و بانکی زیانهای سنگینی را به نظام اقتصادی کشور و مردم وارد کرده است حمایت این سازمانها از بزه دیدگان جرائم اقتصادی میتواند نقطه ی عطفی در راستای حمایت از منافع مادی مردم و از جمله بزه دیدگان جرائم اقتصادی باشد؛ بنابراین در این قسمت بررسی حوزه ی دخالت این سازمانها در فرایند کیفری و تعمیم آن به جرائم اقتصادی خواهیم پرداخت.

-نقش سازمانهای مردم نهاد در اعلام جرم:

تجربه نشان میدهد که معمولاً بزه دیدگان به دلایلی هم چون ترس از تهدید، هزینه یایی ثمر ماندن شکایت و ... بزه دیدگی خود را اعلام نمیکند و طبیعتاً این عدم گزارش در جرائم اقتصادی بسیار بیشتر است و رقم سیاه این جرائم بالاست؛ اما زمانی که بزه دیدگان حمایت سازمانهایی مردمی که وابسته به ارگانهای دولتی نیستند را در کنار خود حس کنند این امر باعث دلگرمی آنها شده و به گزارش بزه دیدگی خود ترغیب میشوند؛ بنابراین سازمانهای مردم نهاد

میتوانند در صورت اطلاع از وقوع جرم یا به عنوان رابطی بین بزه دیده و مراجع رسمی به اعلام جرم بپردازند.

- نقش سازمانهای مردم نهاد در شرکت جلسات دادرسی:

بزه دیدگان جرائم اقتصادی میتوانند تمام خسارات مادی، معنوی و آثاری که این جرائم بر آنها داشته است را بدون هیچگونه نگرانی برای این سازمانها شرح دهند و این سازمانها میتوانند به عنوان نماینده ی آنها در تمام جلسات دادرسی در کنار بزه دیده حضور یافته و به افشای بزه دیدگی آنها بپردازند این امر باعث افزایش اعتماد به نفس بزه دیده شده و اعتماد او را به مراجع قانونی جلب میکنند.

۶-۲-۲- رعایت احترام و حفظ شان بزه دیده

بزه دیده فارغ از سن، جنس، نژاد، رنگ پوست و ... یک انسان است که جرمی علیه او به وقوع پیوسته است، بنابراین، پیش از هر موضوع دیگری او انسانی دردمند است که نیاز به همدلی دارد و اگر منزلت و کرامت وی زیر سؤال برود دردی به دردهای او اضافه شده است. بنابراین کلیه ی اشخاص، مقامات یا مراجعی که با او سروکار دارند باید این موضوع را رعایت کنند و هر رفتاری از آنان که خلاف این حق باشد.

می تواند زمینه ی بزه دیدگی مجدد بزه دیدگان را فراهم کند. در خصوص بزه دیدگان جرائم اقتصادی نیز این موضوع صدق میکند. به هر حال شخصی که اموال یا اعتبار خود را از دست داده است نیازمند همدردی و همدلی در کنار حمایتهای مادی است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

بر همین اساس از آنجاکه اولین ارتباط بیشتر بزه دیدگان با مأموران پلیس است، رضایت آنان از رفتار پلیس در واقع نمودی از رضایت آنان از سامانه ی دادگستری جنایی است. به این ترتیب سیاستگذاران دادگستری جنایی میتوانند رهنمودهایی را برای تضمین رفتار مناسب با بزه دیدگان ترویج کنند، همچنین نهادهای مدنی میتوانند در این زمینه به افزایش آگاهی نمایندگان مجلس درباره ی نیاز به قانونگذاری در موضوعات مرتبط با بزه دیدگان کمک کنند. اقداماتی نظیر تربیت نیروی پلیس یا تشکیل واحدهایی جهت راهنمایی بزه دیدگان و خصوصاً بزه دیدگان جرائم اقتصادی در این خصوص ضروری به نظر میرسد.

(رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۵۵)

۶-۲-۳- آگاهی بزه دیده از حقوق خویش

همانگونه که متهم باید از کلیه ی حقوق خود در مرحله ی دادرسی کیفری آگاه باشد، بزه دیده نیز باید از تمامی حقوق خود از جمله نقش وی در مرحله ی رسیدگی، زمانبندی و روند رسیدگیها و وضعیت پرونده ی خویش آگاه باشد. آشنا ساختن بزه دیدگان با حقوقی که قانون به آنها اعطا کرده است در بازبانی موقعیت اجتماعی آنها مؤثر بوده و از بزه دیدگی مجدد آنان جلوگیری میکند. یکی از مهمترین شاخص های آگاه سازی بزه دیده، مطلع کردن وی از دسترسی به خدمات اجتماعی و ... است؛ چون فارغ از هر امر دیگری بزه دیده باید شرایط و امکانات لازم برای شکایت و دادخواهی را داشته باشند. مثلاً اعلام شکایت در خصوص جرائم اقتصادی کم است و به عبارتی رقم سیاه این جرائم بالاست چرا که معمولاً بزه دیدگان این جرائم به دلیل ترس از تهدید یا بیهوده پنداشتن رسیدگی از گزارش بزه دیدگی خود صرفنظر میکنند؛ بنابراین فراهم کردن شرایط و زمینه های لازم برای رسیدگی به شکایات بزه دیدگان، پرهیز از اطاله ی دادرسی، رسیدگی و جبران قاطع باعث میشود تا بزه دیدگان برای دادخواهی دلگرمی داشته باشند؛ بنابراین امکان دسترسی به سازوکارهای عدالت، مکمل و تضمین کننده ی حقوق انسانی اخلاقی بزه دیده و نوعی کمک به آنها جهت کاستن از فشارهای روانی متحمل است (حسن زاده، ۱۳۹۰: ۵۵)

۶-۲-۴- تأمین امنیت بزه دیده

از آنجاکه جرائم اقتصادی جرائم پراهمیتی هستند و بزهکاران آنها نیز در اغلب موارد افراد حرفه ای بوده و گاه نیز بسیار خطرناک اند نظیر بزهکاران یقه سرخ، حفاظت از بزه دیدگان، شهود و خانوادگی آنها در برابر این بزهکاران اهمیت ویژه ای دارد چرا که اغلب در این جرائم، بزهکار در تلاش است تا آثار و شواهد جرم را از بین ببرد. به عبارتی دیگر با توجه به خصوصیت کلان بودن و گستردگی آثار و شدت جرائم اقتصادی در بسیاری از پرونده های مطروحه، مرتکبین اولاً درصدد اغفال بزه دیدگان جهت انصراف آنها از اعلام جرم و سپس درصدد صدمه رساندن و حذف آنها از پرونده ی رسیدگی به جرم هستند و این موضوع اهمیت بالای حمایت از بزه دیدگان، مطلعین و شهود را میرساند.

شاخص های تأمین امنیت بزه دیدگان عبارت است از: به کارگیری تدابیری جهت کاهش گرفتاریهای بزه دیدگان، حفاظت از زندگی خصوصی آنان و تأمین امنیت خود، خانواده و گواهانشان در برابر تهدید یا انتقام؛ بنابراین، کلیه ی اطلاعات شخصی بزه دیده از جمله محل کار، اقامتگاه و ... باید مکتوم بماند. این حق در مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمانیافته فراملی که از جمله مهمترین جرائم اقتصادی هستند نیز ذکر شده است:

ماده ۲۴: تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای حمایت مؤثر از شهودی که در جریان دادرسی کیفری راجع به جرائم موضوع این کنوانسیون شهادت میدهند و برحسب اقتضاء از خویشاوندان و سایر نزدیکان آنان، در برابر انتقامجویی یا ارعاب احتمالی، تدابیر مناسب اتخاذ خواهد شد.

بند ۱ ماده: ۲۵ تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای کمک به قربانیان جرائم موضوع این کنوانسیون و حمایت از آنان بهویژه در مواردی که خطر انتقامجویی یا ارعاب آنان وجود دارد، تدابیر مناسب اتخاذ خواهند کرد.

همچنین بند (ت) ماده ۱۶ اعلامیه ی ۱۹۸۵ بهکارگیری تدابیری برای کاهش گرفتاریها و دردهای بزه دیدگان و حفاظت از زندگی خصوصی آنان و تأمین خودشان، خانواده هایشان و شهودشان اشاره میکند. بر این اساس باید در مراحل دادرسی، آنجا که بزه دیده یا گواهان او همزمان با بزهکار در مراجع پلیسی یا قضایی حاضر میشوند از مواجهه آنها که خود ممکن است باعث صدمات روحی و تشدید آلام بزه دیده گردد جلوگیری کرد.

این حفاظت نباید محدود به حضور همزمان بزهکار و بزه دیده و گواهان وی در مراجع مربوطه باشد بلکه خارج از آن نیز با اتخاذ تدابیر لازم متناسب با قوانین شایسته های که در این زمینه تصویب میگردد باید با محافظت دائمی از بزه دیدگان و شهود ایشان حتی در محل سکونت ایشان و نیز جاهایی که تردد میکنند بدون ایجاد احساس آزار و دخالت در مسائل شخصیشان و با اجازه ایشان، از ورود هر نوع آسیب مجدد و تهدید و انتقام جویی متأثر از طرح شکایت بزه دیده، جلوگیری کرد. جرم انگاریها در این زمینه می تواند هم دستگاه پلیسی و اجرایی و قضایی را مکلف به انجام دقیقتر وظایف در این زمینه بکند و هم دست ایشان را برای معمول داشتن اقدامات حفاظتی باز گذاشته تا به نفع بزه دیده عمل کنند. همینطور میبایست در تمام

مراحل دادرسی و پس‌از آن توسط پلیس و مراجع قضایی با حفظ اطلاعات شخصی مربوط به فرد بزه دیده و شهود او، از در دسترس بزه‌کار قرار گرفتن این اطلاعات جلوگیری کرد تا هویت ایشان حفظ و امنیت او بیشتر تأمین و تضمین گردد»

۶-۲-۵- حمایت حقوقی

در اغلب موارد بزه دیدگان به قوانین و مقررات کیفری و حقوقی آگاهی ندارند بنابراین، حضور وکلا یا مشاورانی که بتوانند در این زمینه آنان را راهنمایی کنند ضروری به نظر می‌رسد و این اولین گام شروع یک حمایت حقوقی بایسته از آنان است. به نظر نگارنده بهتر است در تمام دادگاه‌ها مشاوره حقوقی رایگان جهت ارائه ی راهنمایی‌های لازم به بزه دیدگانی که تمکن مالی لازم را ندارند ارائه شود. مواردی نظیر استرداد اموال بزه دیده، صدور قرار تأمین خواسته جهت حفاظت از حقوق وی و ... از جمله حمایت‌های حقوقی است که می‌تواند نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی وجود داشته باشد که درجه ی اول باید توسط وکلا یا مشاوران حقوقی به آن‌ها توضیح داده شود.

واضح است که بزه دیده از رهگذر ارتکاب جرم علیه خود، خسارات مادی و معنوی گوناگونی را متحمل شده است بنابراین، اولین و مؤثرترین ابزاری که می‌تواند به او کمک کند «مکانیزم جبران» است که می‌تواند به صورت پرداخت خسارت یا غرامت باشد، جبران خسارت عبارت است از تکلیف بزه‌کار یا اشخاص ثالث به برگرداندن مال یا پرداخت پول در ازای زیان وارد شده به بزه دیده اما پرداخت غرامت زمانی است که به هر دلیلی به بزه‌کار یا شخصی که می‌تواند در این زمینه جانشین او بوده دسترسی نباشد و در نتیجه دولت این خسارت را می‌پردازد. همچنین پرداخت خسارت به دو صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌پذیرد.

۷- تدابیر حمایتی غیر کیفری

منظور از تدابیر حمایتی غیر کیفری، حمایتها و کمک‌های غیرحقوقی است که در قالب یک سیاست جنایی مشارکتی و جامعه مدار بروز می‌یابد، به عبارت دیگر این حمایتها اغلب به صورت خودجوش و از سوی جامعه ی مدنی نسبت به بزه دیدگان جرائم مختلف صورت می‌گیرد و فاقد صبغه ی کیفری هستند. که در این قسمت بدانها اشاره می‌نماییم:

۷-۱- پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم یکی از بندهای مهم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده که به موجب این بند، قوه قضاییه مسئول پیشگیری از جرم و در عین حال اصلاح مجرمین قلمداد می‌شود.

پیشگیری از جرم در تعریف موسع، هر اقدامی است که مانع از ارتکاب جرم شود. این اقدام می‌تواند جنبه‌ی کیفری یا غیر کیفری داشته باشد. به بیان دیگر هر آن چه علیه جرم باشد و سبب کاهش نرخ بزه‌کاری گردد، در گستره ی معنای عام پیشگیری از جرم قرار دارد. در این نگرش، سیاست جنایی همه ی تدابیر کیفری و غیر کیفری را که حکومت با مددجویی از سه قوه ی قانون گذاری، اجرایی و قضایی با هدف محدود کردن و مهار بزه‌کاری و پیشگیری اتخاذ می‌کند، در بر می‌گیرد. (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۲۸)

هم چنین می‌توان گفت پیشگیری از جرم، پیش بینی ها، تدابیر و اقداماتی به منظور کاهش تعداد افرادی است که عنوان مجرم دارند، اعم از آن که این تدابیر پیش گیرانه، کنشی یا واکنشی باشند (حسینی، ۱۳۸۳: ۳۵) این تعریف که به جنبه های کیفری و غیر کیفری پیشگیری اشاره کرده است، پیشگیری را شامل هر دو نوع واکنشی و کنشی دانسته است.

پیشگیری از وقوع جرم در تعریف خاص، مجموعه تدابیر و اقدامات غیر کیفری با هدف مقابله با بزه‌کاری از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم زا و نیز اثرگذاری بر فرصت های پیش جنایی را در بر می‌گیرد. به گونه ای که بتوان با استفاده از ابتکارها و سازو کارهای غیرقهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از ارتکاب جرم اثر گذاشت تا از وقوع بزه جلوگیری شود. (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۳۰)

پیشگیری از بزهکاری در معنای مضیق فقط دربرگیرنده ی مجموعه تدابیر و اقدامهای کنشی (غیر کیفری) باهدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم زا و نیز تأثیرگذاری بر فرصتهای پیش جنایی است به گونه ای که بتوان با استفاده از سازوکارهای غیر کیفری بر شخصیت افراد و موقعیتهای پیش از ارتکاب جرم تأثیر گذاشت.» (زرگری، ۱۳۸۷: ۲)

از تقسیمات رایج پیشگیری که نسبت به سایر انواع آن، موضع وفاق بیشتری در کاربرد داشته و جامع مفاهیم پیشگیری است، تقسیم بندی آن به پیشگیری واکنشی و کنشی است.

پیشگیری واکنشی مبتنی بر تدابیر کیفری است و بر اساس تاثیری که بر جامعه و فرد مجرم می گذارد به دو گونه پیشگیری عام و پیشگیری خاص منقسم می شود.

در پیشگیری واکنشی عام یا فراگیر، عموم افراد مورد توجه می باشند و قوه ی قضاییه از طریق اقدامات مقامات قضایی (دادسرا و محاکم) به رفتار مجرمانه در کلیه مراحل کشف، تعقیب، تحقیق، رسیدگی و اجرا از خود واکنش نشان می دهد و از طریق این عکس العمل به ویژه در مرحله ی اجرا، ارباب عمومی حاصل گردیده و از وقوع جرم پیشگیری می شود. جزمیت، حتمیت، قاطعیت و سرعت در هر یک از مراحل پیش گفته آثار بازدارندگی آن را بر آحاد جامعه بیشتر خواهد کرد.

سیاست های پیشگیری واکنشی خاص یا ویژه در مورد افرادی به کار می رود که سابقاً مرتکب جرم شده اند و با اتخاذ تدابیری سعی می شود که دوباره مرتکب جرم نشوند و موجبات اصلاح، تنبه و درمان آنان حاصل آید. بنابراین اصلاح و بازپروری محکومان به منظور جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم، از تدابیر اصلی این نوع از پیشگیری است. (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ص ۵۳ و ۵۴)

پیشگیری کنشی به کارگیری اقدامات غیر کیفری است و در تفاوت آن با پیشگیری واکنشی می توان گفت در پیشگیری کنشی، تدابیر و اقدامات، مربوط به مرحله ی پیش از وقوع جرم است و از ابزار کیفری استفاده نمی شود. پیشگیری کنشی گاه اجتماعی و گاه وضعی است.

پیشگیری اجتماعی به دنبال هم نوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست اندرکاران پیشگیری باید انجام دهند، بیرون بردن هرچه بیشتر افراد از نظام کیفری است.

پیشگیری اجتماعی، تلاشی برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه های جرم است و تدابیری را در بر می گیرد که از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و مانند آن بر زمینه های ارتکاب جرم مؤثرند. به همین جهت، پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه های تکمیلی، سعی در بهبود زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن فرصت های شغلی دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید. بنابراین در پیشگیری اجتماعی، اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر از بین بردن کلیه عواملی است که در شکل گیری جرم مؤثر بوده اند. (رایجیان اصل، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

در پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان ها و محله ها همراه است. با توجه به جنبه ی حسابگری در ارتکاب جرایم و محاسبه ی منفعت و خطر ارتکاب بزه توسط بزهکار می توان با تغییر در اوضاع و احوال مرتبط با بزهکار، بزه دیده و گستره جغرافیایی مورد هدف بزهکار، ارتکاب بزه را سخت و سخت تر نمود. (نجفی توانا، ۱۳۸۴: ص ۵۵)

در این روش از پیشگیری، با حذف زمینه های وضعی و فیزیکی وقوع جرم، احتمال شناسایی و دستگیری بزهکاران افزایش یافته و بدین نحو که با ارتقای وضعیت پیش جنایی، از وقوع جرم پیشگیری می شود. مانند تقویت سیستم روشنایی در کوچه و محلات به ویژه جاهایی که احتمال ارتکاب جرم به لحاظ اختلال در سیستم روشنایی بیشتر است، تعبیه خزر مناسب برای نگهداری اشیای گران قیمت یا اسناد مالی و استقرار پلیس یا استمرار گشت های پلیسی در نقاط آسیب پذیر. (یزدانی، ۱۳۹۱: ص ۲۱۴)

به نظر می رسد، پیشگیری کنشی با توجه به ماهیت غیر کیفری خود به نوعی حمایت از بزه دیدگان بالقوه ی جرائم اقتصادی است که ممکن است در آینده به بزه دیدگان بالفعل تبدیل شوند. به همین دلیل در این قسمت به بررسی انواع پیشگیری کنشی در خصوص جرائم اقتصادی خواهیم پرداخت. پیشگیری کنشی درجه ی اول به دو دسته ی وضعی یا موقعیت مدار و اجتماعی تقسیم میشود.

۷-۱-۱- پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار

از آنجاکه بزهکار از رهگذر ارتکاب جرم به دنبال کسب سود و منفعت است و در واقع دست به یک انتخاب میزند این نوع پیشگیری به دنبال اتخاذ تدابیری است که فرصتهای جرم را کاهش بدهد. برای مثال ابداع رمزهای پویا و به کارگیری آن‌ها در عملیات بانکی یکی از اقدامات وضعی است که می‌تواند فرصتهای ارتکاب جرائم اقتصادی را تا حدود زیادی کاهش دهد ذیل به نمونه‌هایی از پیشگیری وضعی در جرائم اقتصادی اشاره خواهیم کرد:

۷-۱-۱- پلیس ویژه مبارزه با جرائم اقتصادی

پلیس اولین نماینده‌ی نظام عدالت کیفری محسوب می‌شود که با شهروندان در ارتباط است بنابراین برخورد پلیس با شهروندان، دیدگاه آن‌ها را به امنیت جامعه شکل می‌دهد بنابراین اقدامات پلیس به طور مستقیم و غیرمستقیم در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر است. ایجاد حس امنیت در سطح شهر، حضور در صحنه‌ی جرم، دریافت گزارش در خصوص ارتکاب جرائم، مشاوره به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و اقداماتی از این دست از وظایف پلیس محسوب می‌شود. (درویشی، ۱۳۹۶: ۲۴۶)

با توجه به پیچیدگی جرائم اقتصادی در سالهای اخیر و گسترش مفاسد اقتصادی پلیس ویژه‌ی مبارزه با جرائم اقتصادی شکل گرفته که هدفش بیشتر برنامه ریزی و به کارگیری سیاستهایی به منظور پیش بینی و کنترل این جرائم است، یکی از تلاشهای پلیس ویژه‌ی جرائم اقتصادی توسعه‌ی روابط بین الملل جهت تبادل اطلاعات و ارتقای تخصص کارکنانش است. اخیراً نیز استقرار نیروهای امنیتی در بنادر گمرک و پایگاه‌های مرزی یکی از اقدامات بسیار مطلوب پلیس امنیت اقتصادی بوده است.

به نظر می‌رسد؛ جرائم اقتصادی از جمله جرائمی است که نیاز به تخصصی شدن دارد به این معنا که از مرحله‌ی پیشگیری تا رسیدگی به این جرائم بهتر است از یک مرجع متخصص باشد چرا که این جرائم امنیت ملی را به خطر انداخته و در بعد فراملی نیز می‌تواند اعتبار یک جامعه را به خطر اندازد بنابراین شکل‌گیری پلیس ویژه‌ی مبارزه با جرائم اقتصادی نه تنها به پیشگیری و کاهش جرائم اقتصادی کمک میکند بلکه نوعی حمایت از بزه دیدگان بالقوه‌ی جرائم اقتصادی نیز محسوب می‌شود.

در ایران هم اکنون نیروی انتظامی به موجب بند الف ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابط عام دادگستری بوده و وظیفه کشف جرائم را بر عهده دارد. با این حال به نظر می‌رسد موقعیت و منصب مرتکبان فساد اقتصادی از یک سو و ضرورت تخصص گرایی در تحقیقات از سوی دیگر ایجاب می‌کند تا نیروی انتظامی به این مهم توجه نماید. در غیر اینصورت اسناد و مدارکی که در مراحل اولیه کشف جرائم وجود دارند نامشکوف باقی مانده و یا به آن‌ها توجهی نمی‌شود.

با توجه به خصوصیت‌های فوق نیروی انتظامی اقدام به تشکیل پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی در ادارات آگاهی شهرستان نموده است. بدیهی است اگر نیروی مزبور فاقد کارشناس امور اقتصادی بوده و به نیروهای آن نیز آموزش‌های تخصصی در امور اقتصادی داده نشود، نیروی انتظامی موفقیت‌چندانی در کشف، تحقیقات و مبارزه با جرائم اقتصادی، نخواهد داشت. شاید از این جهت باشد که در عمل ادارات مبارزه با جرائم اقتصادی، بیش تر به مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌پردازند. (خدائیان، ۱۳۹۱: ۵۱)

چنین امری سبب شد تا زمزمه‌هایی پیرامون تشکیل پلیس تخصصی اقتصادی از مسئولان شنیده شده اما در نهایت وقتی به آن نهاده نشود. سرانجام پس از بازتاب رسانه‌ای بسیار در پی پرونده موسوم به فساد سه هزار میلیارد تومانی، بحث تشکیل پلیس اقتصادی قوت گرفت. به گونه‌ای که حتی مقامات عالی انتظامی به صراحت اذعان داشتند، چندین سال است پیشنهاد تشکیل نیروی مزبور مطرح شده اما بی‌توجهی نسبت به آن سبب شده تا در پی بحران پیش آمده به این ضرورت توجه شود.

تشکیل پلیس اقتصادی سرانجام در طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که در مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ به مجلس تقدیم شد مورد پیش بینی قرار گرفت. بدین توضیح که مطابق ماده ۶ طرح فوق، رئیس سازمان موظف است با همکاری مراجع اطلاعاتی و انتظامی از طریق گزینش تعدادی از بهترین نیروهای ذیربط که دارای حسن سابقه و انضباط مالی و کاری باشند، نسبت به تشکیل ضابطان خاص جرائم اقتصادی، تحت عنوان نیروی واکنش سریع جرائم اقتصادی، اقدام نمایند.

هر چند با توجه به فقدان ضابطان تخصصی در ساختار کنونی، تشکیل پلیس اقتصادی می تواند در حفظ آثار و دلایل و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و انجام سایر وظایف ضابطان مؤثر واقع شود اما این نکته را نباید فراموش کرد که در ساختار فعلی نیروی انتظامی، فعالیت ماموران ادارات مبارزه با جرائم اقتصادی بیش تر بر مبنای تجربه شخصی صورت گرفته و آموزش های تخصصی در ارتباط با جرائم و مسائل اقتصادی به آن ها داده نشده است. از این رو انتظار می رفت در طرح سازمان مبارزه با مفاصد اقتصادی، این مهم مورد توجه ویژه ای قرار گیرد. در این مورد هر چند بخشی از ماده ۴۳ طرح به ایجاد رشته حقوق کیفری اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم انتظامی و به کارگیری فارغ التحصیلان این رشته در نیروی انتظامی اشاره نموده است، اما الزامی برای به کارگیری آن ها در ماده ۶ طرح ذکر نشده و صرفا به معیارهایی همچون انضباط مالی و کاری و حسن سابقه اکتفا شده است. با این حال، اشاره به معیارهای فوق برای گزینش ضابطان تخصصی، کافی نبوده و لازم است تدابیر و معیارهایی دقیق تر که مطابقت بیش تری با رویکردهای سنجیده و علمی دارند اندیشیده شوند. بدیهی است در صورتی که ساختار مزبور براساس آموزه های علمی تشکیل نشود و یا تشکیل آن منتفی گردد امکان طرح عوام گرایی منتفی نخواهد بود.

۷-۱-۱-۲- ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی

نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرائم اقتصادی به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور میشود، لذا توجه به عملکرد اینگونه مؤسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آن ها و اجرای دقیق این سیستم می تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر برملا شدن تخلف وجود دارد.

۷-۱-۱-۳- کاهش نقش دولت در حوزه ی تصدی گری

مداخله ی بیش از اندازه ی دولت و نقش انحصاری آن موجب رشد بروکراسی و بروز پدیده هایی مانند رشوه، رانت و ... میشود. در این زمینه خصوصیسازی یک برنامه ی اصلاحی مقابله با فساد است که می تواند با خارج کردن داراییهای خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاح دینی مقامات به انتخابهای مبتنی بر محرکه های بازار توسط بخش خصوصی از فساد بکاهد. تجربه نشان میدهد هر چه دولت ها بزرگتر و اختیارات آن ها گسترده تر باشد زمینه ی فساد در آن ها بیشتر است.

۷-۱-۱-۴- ارتقاء شفافیت در بخش دولتی

از دیدگاه اقتصادی، شفافیت به معنی اطلاع رسانی حقیقی و همه جانبه در عرصه ی فعالیتهای اقتصادی و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولید و توزیع ثروت در جامعه است. شفافیت اقتصادی علاوه بر اطلاع رسانی از طریق رسانه های جمعی و مطبوعات شامل اطلاع رسانی ناشی از عملکرد مناسب مکانیسمهای اقتصادی از جمله مکانیسم قیمتهاست که در نظام بازار رقابتی، اطلاعات صحیح و دقیقی را دربارهی وضعیت کمیابی منابع در اختیار تولیدکنندگان و مصرف کنندگان قرار میدهد و آن ها را در تصمیم گیری عقلایی رهنمون میسازد (شمس ناتری، توسلی زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۱)

به جرئت میتوان گفت یکی از مهمترین عوامل وضعی فسادزا، عدم شفافیت در مؤسسات و سازمانهاست که باعث سوءاستفاده کارگزاران متخلف میشود چرا که وقتی آنان نبود سازوکارهایی را که منتهی به کشف جرم و تعقیبشان میشود را حس کنند، خود را آزاد یافته و در تعارض بین منافع عمومی و منافع شخصی، منافع شخصی را ترجیح میدهند.

۷-۱-۲- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی آن دسته از تدابیر و اقدامهایی است که با مداخله در فرایند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن ها و سالمسازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. هدف پیشگیری اجتماعی تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه های در آستانه خطر به جامعه پذیری فرد کمک

میکنند. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی به دنبال همونوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است « (زرگری، ۱۳۷۸: ۳)

۷-۱-۳- پیشگیری جامعه مدار

یکی از رایجترین اشکال پیشگیری غیر کیفی، پیشگیری جامعه مدار است و شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که نسبت به محیط هایی که فرد در آن کار یا زندگی میکند، اعمال میشود. برای مثال اعمال قوانین امنیتی سختگیرانه در شرکتها یا مؤسساتی که با رایانه سروکار دارند و ممکن است آنها را به ارتکاب جرائم رایانه ای سوق بدهد، ارائه ی گزارشات شفاف کاری از سوی کارمندان و نظارت جدی بر این گزارشها و ... از جمله تدابیر پیشگیرنده ی اجتماعی محسوب میشود.

۷-۱-۴- پیشگیری رشد مدار

این نوع از پیشگیری در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری به هنگام اقدامات حمایتی از پایداری رفتارها و گرایشهای مجرمانه در افرادی که در سنین پایین و دوران کودکی دچار ناسازگاری، کج روی و بزهکاری زودرس شدهاند جلوگیری نماید. بدین معنی که هر قدر افراد زودتر از سن متعارف مرتکب بزه شوند به همان میزان احتمال استقرار بزهکاری در آنان بیش از دیگران

است. از اینرو با مداخله در فرایند رشد کودکان و تمرکز بر روی عوامل فردی و اجتماعی که بر پیشرفت آمادگیهای مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیرگذار است میتوان با جامعه پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد

خانواده اولین نهادی است که فرد در آن پا گذاشته و سیر تکوین و تکامل شخصیت وی در آن صورت میگیرد بنابراین هرگونه مشکل از قبیل رفتار سوء والدین، بزهکاری آنان، فقر و مشکلات اقتصادی و ... می تواند عاملی در جهت تبدیل او به یک فرد بزهکار در آینده شود؛ بنابراین فراهم شدن شرایط و بستر تربیتی درست عاملی در جهت پیشگیری از بزهکاری کودکان در آینده است، کودکی که وسیله ی دوستش را بدون اجازه ی او بر میدارد ممکن است در آینده دست به ارتکاب سرقت بزند یا نوجوانی که به بازیهای رایانه ای درآمدزا و ... روی می آورد چه بسا در آینده به یک مجرم اقتصادی خرد یا کلان تبدیل شود، بنابراین درجه ی اول دولت باید با فراهم کردن شغل، ارائه ی بسته های معیشتی به خانواده ها و اقداماتی از این دست حمایتی بالقوه ای است که می تواند تا حدود زیادی بزهکاری و بالطبع آن بزه دیدگی را کاهش دهد. همچنین کمک ها مشاوران یا مددکاران اجتماعی در کانونهای اصلاح و تربیت نیز تا حدود زیادی می تواند از بزهکاری مجدد طفل یا نوجوان در آینده جلوگیری کرده و زمینه ی باز سازی او را با جامعه فراهم کند.

به نظر نگارنده پیشگیری وضعی و اجتماعی به نوعی یک بسترسازی فرهنگی است که اگر زمینه های آن فراهم شود و هر روز اقداماتی جهت تکامل و پیشرفت آن صورت گیرد میتوان بزهکاری و از جمله بزهکاری اقتصادی و بالطبع، بزه دیدگی اقتصادی را نیز کاهش داد.

۷-۲- اطلاع رسانی

ارائه ی اطلاعات لازم به کلیه ی اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه، به عنوان بزه دیدگان بالقوه و بالا بردن سطح اطلاعات اقتصادی و حقوقی آنها، یکی از انواع حمایتی غیر قضایی محسوب میشود. در بسیاری از جرائم اقتصادی از جمله جرائم علیه مصرف کنندگان، بزه دیده سالها از بزه دیدگی خود بیخبر است و به عبارت دیگر، بزه دیدگی در اینگونه جرائم، نوعی بزه دیدگی خاموش است. ارائه ی اطلاعات اقتصادی، شناساندن فعالیتهای صحیح و ناصحیح، قانونی و غیرقانونی بسیار کمک کننده است. (عابدی تهرانی، ۱۳۹۶: ۲۰۴)

در این زمینه پلیس فتا و رسانه ی ملی به عنوان مرجع آگاه کننده نقش بسیار مهمی خواهند داشت. به عنوان مثال بارها شاهد ارسال پیامکهای حاوی هشدار در خصوص عدم در اختیار دادن اطلاعات کارتهای اعتباری به افراد غریبه یا عدم اعتماد به پیامکهای مبتنی بر برنده شدن در قرعه کشی از سوی پلیس فتا یا اطلاع رسانی در خصوص پرونده های مربوط به جرائم

اقتصادی نظیر پرونده‌ی مربوط به شرکتهای هرمی که محتوای آن با مجوز قوه‌ی قضاییه از سوی رسانه‌ها پخش می‌شود بوده ایم. در واقع اطلاع‌رسانی با آموزش قرابت دارد بدین معنی که آموزش حوزه‌های فعالیت بزهکاران جرائم اقتصادی، نحوه‌ی برخورد بزه‌دیدگان با آن‌ها و گزارش‌دهی جرم، نحوه‌ی شناخت مجرمین و باندهای اقتصادی، شناساندن خصوصیات روانی و اخلاقی بزهکاران، افزایش اعتمادبه‌نفس و حفظ آرامش بزه‌دیدگان و ... همه از اقدامات حمایتی از رهگذر عنصر اطلاع‌رسانی و آموزش می‌باشد.

۷-۳- تغییر هنجارهای فرهنگی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی

از آنجاکه رقم سیاه‌بزهکاری در جرائم اقتصادی بالا است، بنابراین بزه‌دیدگی پنهان آن نیز بالا است و یکی از مهمترین دلایل آن عدم تمایل بزه‌دیدگان به گزارش‌کردن بزه‌دیدگی خود است. به عبارت دیگر بزه‌دیدگان کلان جرائم اقتصادی از جمله شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی و همچنین اشخاص حقیقی نظیر مصرف‌کنندگان یا بزه‌دیدگان جرائم خردی چون اختلاس حاضر به گزارش‌کردن بزه‌دیدگی خود نیستند زیرا تصور آنان این است که آن‌ها افرادی شکست‌خورده و ضعیف هستند که کفایت لازم را برای انجام فعالیت‌های اقتصادی ندارند، بنابراین تغییر این باورها در واقع نوعی حمایت فرهنگی از آنان در راستای عدم تحقق بزه‌دیدگی اولیه و ثانویه است که در بلندمدت می‌تواند به شفاف‌سازی اقتصادی کمک شایانی کند.

۷-۴- حمایت‌های عاطفی و حیثیتی

درد و رنج‌های عاطفی حیثیتی به‌منزله‌ی یک از آثار مهم بزه‌دیدگی عبارت است از ناراحتی و آزرده‌گی خاطر بزه‌دیده که از جریحه‌دار شدن یا لطمه خوردن به عواطف و احساسات یا حیثیت وی ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر در و رنج‌های عاطفی حیثیتی همان تأثیرپذیری یا واکنش روانی بزه‌دیده است که در برخورد با پدیده‌ای بیرونی به نام جرم در او ایجاد شده و به شکل ترس، خشم، انتقام و ... نمایان می‌شود. (جلالیان، ۱۳۹۵: ۲۸)

هر جرمی علاوه بر خسارت‌های مادی، آسیب‌هایی را به عواطف و احساسات بزه‌دیده وارد می‌کند به این صورت که در اثر رخداد جرم وضعیت جدیدی برای بزه‌دیده به وجود آمده است، بزه‌دیدگان این جرائم پس از بزه‌دیدگی، اعتماد خود را به نظام اقتصادی و ساختارهای تجاری و اقتصادی و مالی از دست داده و انجام فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها در جامعه دچار اختلال می‌شود که این روند خود به بزه‌دیدگی ثانویه میانجامد مثلاً در جرم اقتصادی شخص حقیقی یا حقوقی سرمایه و اعتبار خود را از دست داده است البته این نوع از آسیب صرفاً در مورد اشخاص حقیقی قابل تصور است. در اینجا بیش از هر چیز کمک روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی می‌تواند کارگشا باشد. برگزاری جلسات مختلف، صحبت کردن درباره‌ی احساسات و نگرانی‌ها و ... می‌تواند در رفع و کاهش این درد و رنج‌ها تا حدود زیادی مؤثر باشد.

۷-۵- ترمیم روانی بزه‌دیده

یکی از مهمترین آثار بزه‌دیدگی در جرائم اقتصادی، از دست رفتن اعتماد بزه‌دیده به جامعه است و قطع یکی از نتایج مهم از دست رفتن این نوع اعتماد، ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی است به این معنی که بزه‌دیده دیگر تمایلی ندارد که سرمایه‌ی خود را وارد چرخه‌ی اقتصادی جامعه کند و این موضوع در بلندمدت نتایج نامطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت. بنابراین حمایت‌های روانی که از بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد تأثیر به‌سزایی در اعاده‌ی وضع جامعه به حالت سابق و جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد خواهد داشت.

۷-۶- حمایت اجتماعی

یکی دیگر از جلوه‌های حمایت غیر قضایی نسبت به بزه‌دیدگان جرائم اقتصادی، حمایت اجتماعی است که غالباً توسط نهادهای جامعه‌ی از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد صورت می‌گیرد. تجربه نشان می‌دهد که همکاری مردم در مسائل اجتماعی

همیشه بازخورد بهتری داشته است خصوصاً اگر این همکاری در زمینه ی حمایت از بزه دیدگان باشد. تبلور حمایت اجتماعی را میتوان در همکاری دولت با جامعه ی مدنی مشاهده کرد که این همکاری در چهارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی نمایان میشود. حمایت اجتماعی از رهگذر انجمنها و نهادهایی صورت میگیرد که اغلب توسط بزه دیدگان جرائم مختلف راه اندازی شده اند؛ یکی از این نهادها، سمن ها هستند که علاوه بر نقشی که در فرایند کیفری در حمایت از بزه دیدگان دارند که یک نقش محدود و وابسته به شرایط قانونی است به صورت مستقل نیز میتوانند با امکاناتی که در اختیار دارند هم چون یک مددکار اجتماعی به ارائه ی مشاوره به بزه دیدگان جرائم اقتصادی پس از اتمام فرایند دادرسی بپردازند و حتی به عنوان ناظر، مراحل اجرای مجازات بزهکار و جبران خسارتهای بزه دیده را پیگیری کنند، همچنین میتوانند با اقداماتی نظیر درگیر کردن بزه دیدگان در برنامه های اجتماعی، ملاقات با خانوادگی آنها و جبران بخشی از خسارات مادی بزه دیده در صورت عدم دسترسی به بزهکار با استفاده از منابعی که در اختیار دارند به حمایت اجتماعی از آنها بپردازند. علاوه بر انجمنهای مدنی گاه ممکن است حمایت اجتماعی از طریق نهادهای رسمی دولت صورت گیرد بدین ترتیب که برخی وزارتخانه های دولتی یا دستگاه قضایی با ایجاد صندوقهای دولتی جبران خسارت به حمایت از بزه دیدگان میپردازند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

هم اکنون نیز بهمنظور توجه نظاممند به ظرفیتهای توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه های سیاستگذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه دیدگان، میانجیگری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و باز اجتماعی شدن متهمان و مجرمان «دستورالعمل نحوه ی مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه ی قضاییه» در تاریخ ۶ / ۱۲ / ۱۳۹۸ به تصویب رسیده است که مؤید لزوم حمایتهای اجتماعی از جانب این نهادها در زمینه های مختلف، علی الخصوص حمایت از بزه دیدگان است. طبق ماده ی ۴ این دستورالعمل موضوع فعالیتهای این نهادها عبارت است از: مشارکت عمومی و همکاری در راستای صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، پیشگیری و مقابله با فساد، دفاع از آزادیهای مشروع، پیشگیری از وقوع جرم، میانجی گری، صلح و سازش، معاضدت حقوقی و روانشناختی، مددکاری اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، حمایت از حقوق بشر، سلامت زنان، خانواده، اطفال و نوجوانان، بیماران یا اشخاص دارای ناتوانی جسمی و روانی، محیط زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی، امر به معروف و نهی از منکر، حمایت از بزه دیدگان و خانواده ی آنها، همیاری بازپرورانه در اجرای مجازاتهای جایگزین حبس و معاضدت به محکومان و حمایت از خانواده ی آنها. همچنین بر اساس ماده ی ۲۳ این دستورالعمل، ضابطان دادگستری در اجرای دستور مقام قضایی مبنی بر بررسی امکان صلح و سازش و اخذ رضایت بزه دیدگان، میتوانند ضمن بهره گیری از تجربه و مهارت واحدهای مددکاری و مشاوره کلانتریها، از ظرفیتهای نهادهای مردمی همکار در ایجاد صلح و سازش استفاده کنند که این موضوع می تواند در خصوص جرائم اقتصادی خرد تا حدود زیادی مؤثر بود و از حجم کاری دادگاه ها در این زمینه بکاهد.

به نظر نگارنده، سطح سیاست جنایی محسوب میشود، حمایت اجتماعی از بزه دیدگان اهمیت بسیاری دارد زیرا از طرفی باعث میشود تا بزه دیدگان حامیانی از جنس خودشان را در کنار خود حس کرده و سهمیم بدانند و هم دولت از نقش دولتی بودن و انحصاری صرف خودش خارج شده و زمینهای یک مشارکت جامعه ی و همدلی بیشتر اعضای جامعه را فراهم میکند.

نتیجه گیری

جرائم اقتصادی عبارت از جرایمی به وقوع پیوسته بر علیه اقتصاد یک کشور است که با نیت و قصد اختلال در نظام اقتصادی آن کشور صورت میگیرد. این جرم، آثار و تبعات سوء اقتصادی را برای نظام پولی و بانکی آن کشور بدنبال دارد. در کشورهای مختلف تعاریف متعددی در خصوص جرائم اقتصادی ارائه شده است، اما ارائه تعریفی جامع و دقیق از این جرائم در عمل با مشکلاتی مواجه است. نقش اقتصاد در زندگی افراد جامعه، قابل انکار است؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزههای دیگر زندگی می شود، بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می دهد. مصادیق و عناوین جرائم اقتصادی در متون حقوقی بسیار نادر و انگشت شمار است؛ زیرا در این معنا جرم اقتصادی تنها شامل مواردی می شود که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است. اما در عرف اجتماعی عناوین و مصادیق فساد و

جرائم اقتصادی انواع مختلف فعالیت‌های غیرقانونی را در بر می‌گیرد و شامل موارد متعددی است. شناسایی علل بروز ناهنجاری‌های اقتصادی، به عنوان مهم‌ترین چالش پیش‌روی پیشگیری و مبارزه با جرائم اقتصادی به شمار می‌رود. اما در مقاله حاضر موضوعی مهمتر بحث گردیده است، حمایت از بزه دیدگان جرائم اقتصادی، با توجه به اینکه تدابیر حمایتی در سیاست جنایی ایران موضوعی مهم و مورد توجه می‌باشد در این مقاله به بررسی تدابیر حمایتی غیر کیفری از بزه دیدگان جرائم اقتصادی در سیاست جنایی ایران پرداخته شد.

به طور کلی حمایت از بزه دیدگان گامی نو در عرصه ی جرم شناسی است که می‌تواند باعث شکل‌گیری یک الگوی بزه دیده مدار در چهارچوب سیاست جنایی باشد. این حمایتها به دو دسته ی کیفری و غیر کیفری تقسیم میشوند اما هراندازه نقش حمایتهای غیر کیفری در حمایت از بزه دیدگان پررنگتر باشد، نیل به یک سیاست جنایی مشارکتی بزه دیده محور آسانتر خواهد شد چرا که حمایتهای غیر کیفری غالباً از دل جامعه بیرون آمده و به همین دلیل اعتماد بزه دیده را آسانتر جلب میکند. در این میان حمایت از بزه دیدگان جرائم اقتصادی نسبت به بزه دیدگان سایر جرائم محجور مانده و این امر در درجه ی اول حاکی از نبودن تعریفی جامع‌ومانع از جرم اقتصادی و بزه دیده آن است. به طور کلی عملی شدن تدابیر حمایتی نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی پیش از هر چیز در گرو تصویب قوانین صریح از سوی قانون‌گذار است منظور از حمایت غیر کیفری کلیه‌ی واکنشهایی است که فاقد صبغه ی کیفری بوده و جنبه ی اجتماعی و مدنی دارند که به مصادیقی از آن اشاره خواهیم کرد:

۱- حمایت مالی: این نوع از حمایت ساده ترین نوع حمایت است که در آن هدف اصلی و اولیه جبران - مادی خسارتهایی است که به بزه دیده وارد شده است البته این نوع حمایت بیشتر در خصوص خسارتهای مادی (خسارتهایی که به مال بزه دیده وارد شده است) و خسارات بدنی صدق میکند و درباره ی خسارات و آسیبهای عاطفی یا معنوی، جبران تمام و کمالی را نمیتوان ارائه کرد. نمونه ی این نوع حمایت را میتوان در ماده ی ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده کرد. (شاکلی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند «در برخی کشورها از جمله فرانسه کمیسیون وجود دارد که به منظور برآوردن سریع نیازها و احتیاجاتی که به طور مستقیم با خسارت وارد شده ارتباط دارند سازماندهی شده است. همچنین بزه دیدگان میتوانند در دفاتر وکلای رایگان که توسط هر کانون در مناطق یا دادگاه ها ایجاد شده است، اطلاعات لازم را تحصیل کنند.

هرگاه بزه دیده‌ای که دارای درآمد پایینی است خواستار آن باشد که یک وکیل در مراحل دادرسی همراه او باشد، می‌تواند تقاضای کمک قضایی کند، یعنی کمک و همراهی مجانی یک وکیل را خواستار شود

۲- حمایت پزشکی: اینگونه از حمایت در رابطه با جرائمی است که در آن‌ها بزه دیدگان دچار آسیبهای جسمی و روانی شده اند و نیازمند فوریت در رسیدگی برای پیگیریهای قضایی بعدی است، حمایتهای اورژانس، سازمان پزشکی قانونی و مددکاریهای اجتماعی را میتوان زیرمجموعه ی این نوع حمایت دانست.

۱-۲ - مراکز اورژانس بیمارستانها: انترنهای بیمارستان اغلب دارای اطلاعات پزشکی بسیار مختصری هستند. این افراد مراقبتهای پزشکی را بر گواهیهای پزشکی ترجیح میدهند. گواهیهای پزشکی به قربانی امکان میدهد که از حقوق خودش دفاع کند چراکه بیشتر وقتها این گواهی تنها مدرکی است که قربانی برای اثبات خسارت متحمل شده در اختیار دارد.

۲-۲ مراکز بیمارستانی مرجع، واحدهای پزشکی قضایی: واحدهای پزشکی قانونی برای مراجع قضایی که از آن‌ها درخواست میکنند، فعالیت میکنند. صدور گواهی های پزشکی قانونی همراه با تعیین از کارافتادگی کلی بر اساس دلایل موجود، یکی از عوامل ایجاد این مراکز میباشد.

۳ حمایت عاطفی و حیثیتی: منظور از حمایت عاطفی در واقع حمایت از دردها و رنجهایی است که بزه دیده در اثر ارتکاب جرم متحمل شده است که در قالب خشم، ترس، اضطراب و ... بروز مییابد و هرچه شدت جرم بیشتر باشد درد و رنج حاصل از آن نیز به مراتب بیشتر خواهد بود. کمک مراکز روان درمانی برجسته ترین نوع حمایت عاطفی محسوب میشود. مفهوم درد و رنج عاطفی و آسیب روانی از یکدیگر متمایز بوده و بهتر است که درباره ی تمایز آن‌ها مختصر توضیحی ارائه شود. درد و رنج

عاطفی مفهومی است که به حوزه ی روانشناسی مربوط میشود اما آسیب روانی مفهومی است که به حوزه ی پزشکی ارتباط دارد؛ بنابراین از آنجاکه وظیفه ی روانپزشکی تشخیص و درمان بیماریهای روانی است، درمان آسیبهای روانی در حیطه ی وظایف روانپزشکان است درحالیکه وظیفه ی روانشناسی بررسی پدیده ها و کارکردهای روانی و درمان نا به سامانیهای روانی است و از آنجاکه این نابسامانیهای روانی ترجمان درد و رنجهای عاطفی در نوشتگان بزه دیده شناسی است، درمان آن موضوع حمایتهای عاطفی به شمار میرود.

۴- حمایت شکلی یا حقوقی (آیین دادرسی مدار): این نوع از حمایت بیشتر در طول جریان رسیدگی به جرم نمود پیدا میکند و در واقع منظور از آن امتیازاتی است که میتوان برای بزه دیدگان به منظور تسهیل در رسیدن به حقوقشان قائل شد نظیر معافیت از پرداخت هزینه های دادرسی در صورت عدم استطاعت مالی، فوریت در رسیدگی در موارد خاص، بهره مندی رایگان از اطلاعات حقوقی و ... فراهم شدن چنین شرایطی در فرایند رسیدگی خصوصاً در جرائم جنسی که معمولاً بزه دیدگان آنها از مراجعه به مراجع قضایی امتناع می ورزند و جرائمی که بزه دیدگان آنها کودکان هستند مفید بوده و از آمار جرائم رقم سیاه میکاهد و اعتماد مردم را نیز به مراجع قضایی بیشتر خواهد کرد. برای نمونه طبق تبصره ی ماده ی ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه دیده فاقد تمکن مالی، ضروری بداند، طبق مفاد این ماده عمل میکند.

۵- حمایت اجتماعی: منظور از حمایت اجتماعی همان حمایت جامعهی مدنی است که می تواند در قالب تشکل یا انجمنها نمود پیدا میکند، این تشکلهای میتوانند به صورت خودجوش و مستقل (اغلب توسط خود بزه دیدگان) ایجاد شوند یا از حمایت دولت یا قدرتهای سیاسی بهره مند شوند. حتی گاهی این تشکلهای میتوانند در فرایند قانونگذاری نیز مؤثر واقع شوند چنانکه در خصوص طرح تشدید مجازات اسیدپاشی نیز بزه دیدگان جرم اسیدپاشی نقش اصلی و اولیه را ایفا کردند.

بزه دیده به شخصی اطلاق میشود که در پی وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی و معنوی شده است. از یک منظر بزه دیدگان رفتارهای مجرمانه را میتوان به دودسته تقسیم بندی نمود:

۱- بزه دیده ی عادی: - شامل کلیه ی اشخاصی میشود که در پی فعل یا ترک فعلهای ناقض قوانین کیفری دچار آسیب اعم از جسمی، روانی و ... شده اند.

بزه دیده آسیب پذیر یا خاص: کسانی هستند که هیچگونه نقشی حتی جزئی در وقوع رفتار مجرمانه و بزه دیدگیشان ندارند و بزه دیده واقشدن آنان صرفاً نتیجهی شرایط و اوضاع و احوال خاص خواهد بود، به عبارت دیگر، این دسته از بزه دیدگان به خاطر داشتن شرایط و ویژگیهایی، آمادگی و استعداد خاص برای بزه دیده واقع شدن دارند، نظیر سن، جنس، موقعیت ناشی از شغل، موقعیت اقتصادی و ...

بزه دیده شناسی حمایتی به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم میشود. در بزه دیده شناسی اولیه تنها به نقش بزه دیده در وقوع جرم و میزان مسئولیت او توجه نمیشود بلکه با توجه به موقعیتی که او را در معرض بزه دیدگی قرار میدهد به حمایت، کاهش بزه دیدگی و آسیبهای وارد بر او پرداخته میشود. در بزه دیده شناسی ثانویه تنها به جبران خسارت مادی و مجازات بزهکار پرداخته نمیشود بلکه دولت و جامعه ی مدنی نیز در جبران خسارتهای معنوی و روانی زیان دیده از جرم سهیم هستند.

به طور کلی حمایت از بزه دیدگان جرائم می تواند نقش مؤثری در کاهش پدیده های مجرمانه، تحقق عدالت کیفری و تأمین خسارتهای مادی و معنوی آنها داشته باشد «جرم اقتصادی را میتوان فعالیت مجرمانه ی عمدی دانست که مرتکب به واسطه ی جایگاه خاص و با بهره گیری از دانش و اطلاعات خود و نیز وسایل و شیوه های ویژه باهدف کسب هرگونه منفعت با امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری مرتکب میشود و آن فعل نتایج شدیدی را به دنبال دارد»

اساساً وقوع اکثر جرائم، حول محور پول است اما جرائم اقتصادی از سایر جرائم متفاوت است زیرا این جرائم به زیان همه ی مردم تمام میشود و مضرات آن به مراتب بیشتر از جرائم خیابانی است. این جرائم از نظر بزه دیده نیز دارای ویژگیهای خاصی است؛ بهطور مثال اگر در جرائم سنتی و عمومی معمولاً بزه دیده ی مستقیم وجود دارد، در جرائم اقتصادی علاوه بر بزه دیدگان مستقیم، آثار و پیامدهای آن بزه دیدگان غیرمستقیم را نیز درگیر میکند؛

بنابراین باید گفت: جرائم اقتصادی موجب اخلال و بیثباتی اقتصادی میشود. مجرمان اقتصادی عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه ی تولید محصولات خود را کاهش داده و رقبا را دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه کی رقابت خارج میکنند؛

همچنین در کشورهای درحال توسعه بر میزان بودجه ی دولت تأثیر گذاشته و در نتیجه منجر به کاهش کنترل دولت بر سیاستگذاریهای اقتصادی میشود. قربانیان جرائم اقتصادی نه تنها کسانی هستند که به طور مستقیم از اینگونه جرائم آسیب می بینند نظیر اشخاص حقوقی، اقتصادی یا دولت، بلکه مردم نیز به عنوان مشتریان در موارد دستکاری در قیمت، کیفیت پایین محصولات یا خدمات و حتی محیط زیست به طور غیرمستقیم قربانی جرائم اقتصادی هستند. همچنین افراد عادی از جمله تجار، بازرگانان یا کسانی که ثروتهای زیادی دارند میتوانند بزه دیده ی این جرائم واقع شوند. در سطح کلان نیز به طور کلی جرائم

اقتصادی و مالی تأثیر منفی قابل توجهی بر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور میگذارد و موجب افزایش هزینه ها، کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت و کاهش امنیت اقتصادی و ... میشود با توجه به اهمیت این جرائم و صدماتی که میتوانند به بار آورند از جمله صدمات مادی، معنوی، تألمات روحی و روانی ناشی از دست دادن اموال، ورشکستگی و ... بزه دیدگان این جرائم مستحق سازوکارهای حمایتی ویژه ای هستند که لزوماً کیفری نیست. پیشگیری اجتماعی، رفع کمبودها و ضعفهای موجود در زمینه ی مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... تفهیم حقوق بزه دیدگان و جلب اعتماد آن‌ها، حمایت از بزه دیدگان در مرحله ی تأمین ضرر و زیان، ضرورت حضور وکیل و استرداد اموال و اشیاء، انواع حمایتهای اجتماعی، روانی، مالی (نظیر بیمه های خصوصی، صندوقهای تأمین خسارت(مشارکت سازمانهای مردم نهاد به جانشینی از سوی این بزه دیدگان و ... از جمله سازوکارهای غیر کیفری هستند که میتوانند نسبت به بزه دیدگان جرائم اقتصادی به کار گرفته شوند

منابع

کتاب

۱. حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳
۲. دلماس مارتی، می‌ری؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، پائیز ۱۳۸۱، چاپ اول، جلد نخست
۳. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، ۱۳۹۰
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی، جلد یکم، موسسه ی مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸
۵. عابدی تهرانی، طاهره، جرم شناسی بزه دیدگی جرائم اقتصادی، انتشارات عدلیه، ۱۳۹۶
۶. لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول
۷. نجفی توانا، جرم شناسی، تهران: تهران، نشر آوای حکمت، ۱۳۹۹
۸. نجفی‌ابرنادادی، علیحسین؛ از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیپاچه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول
۹. مقالات و پایان نامه جلالیان، هومن، بررسی ضرورت سازوکارهای غیر کیفری حمایت از بزه دیدگان، پایان نامی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵
۱۰. حسن زاده، رعنا بررسی شیوه های حمایت از بزه دیدگان در حقوق ایران و اسناد بینالمللی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۰
۱۱. حسینی، جعفر، مهرا، نسرین، نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۲، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴

۱۲. خدائیان چگنی، ذبیح ا..، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرائم اقتصادی، مجله مطالعات حقوقی، شماره ۴، سال دوم
۱۳. درویشی، عباس، نقش پلیس در پیشگیری از جرائم، شماره ۴، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، ۱۳۹۶
۱۴. رایجیان اصل، مهرداد، «رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱، ۴۸-۴۹، ۱۳۸۳
۱۵. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیدگان، حقوق و حمایت های بایسته، مجله علمی پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۵
۱۶. زرگری، سید مهدی، پیشگیری از بزهکاری در منابع ملی و فراملی، مجله گواه، شماره ۱۲، ۱۳۷۸
۱۷. شمس ناتری، محمدابراهیم، توسل یزاده، توران، پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۳۹۰
۱۸. طاهر الهایی، سیده فاطمه، نقش سازمان های مردم نهاد در حمایت از حقوق بزه دیده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۵
۱۹. لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول
۲۰. محسن پور، مریم، اختلاس در بخش خصوصی، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز، دانشگاه شیراز، واحد بین المللی.
۲۱. مقیمی، مهدی، مطالعه حقوقی، جرم شناختی جرائم اقتصادی، با تاکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، سال نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۶
۲۲. مهدوی پور، اعظم، تعقیب و تحقیق جرائم اقتصادی: روش ها و ویژگی ها، علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، تهران، میزان، ۱۳۹۲
۲۳. مهدوی فر، مرتضی، بررسی سیاست کیفری ایران در راستای پیشگیری از جرائم اقتصادی، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۴۰۰
۲۴. نجفیابرنندآبادی، علیحسین؛ از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول
۲۵. نیازپور، امیر حسین، «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲
۲۶. نیازپور، امیر حسین، «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸، ۱۳۸۳
۲۷. یزدانی، علی، «نقش نهادهای اجرایی در پیشگیری از وقوع جرم» مجله تعالی حقوق، شماره ۱۷-۱۶، ۱۳۹۱